

کتابخانه
وزارت معارف
و فرهنگ

ایمانگاه

کریکایان
روزه همه تکیشان
به یک گردن

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

بها، ۵۰ ریال

آبان ۱۳۶۳

سال سوم - شماره ۲۵

دوره جدید

پیرامون

زمینه ها، علل و چگونگی

درگیری اخیر حزب دمکرات و کومه له

صفحه ۲

● گزارش هیات
اعزامی به اورامان

★
سرویس تازه

نگاهی به
گزارش هیات اعزامی
و نتایج آن

گزارش هیات اعزامی به اورامان که در همین شماره ریگای گل برای اطلاع عموم درج گردیده است، علاوه بر آن که پرده از واقعیت های تلخ و فاجعه بار در مسیر خونین این درگیری و در ضامبات فیمابین حزب دمکرات و کومه له بر میدارد، قبل از همه تأثیرات زیانبار سیاست های حزب دمکرات و کومه له و شیوه برخورد آنها با مسائل جنبش را هر چه بیشتر آشکار می سازد. سیاست هایی که نتایجی مثل درگیری اورامان نتیجه مستقیم آنهاست. در صفحه ۲

بمناسبت

۲۱ ریه ندان

سالروز تاسیس جمهوری خودمختار کردستان

صفحه ۱۸

۲. بنام حزب، علیه حزبیت

بسی شکل حزب طبقه کارگر
علیه بسی حزبی
(قسمت دوم)

را به مشایخ پیشتر شرعاً هر حزب کمونیست مرفعی کرده و عامل حیات و ادامه کاری آن به حساب می آورد. (۱)

ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر برخلاف تمام ادعاهای پوشالی کومه له نه تنها ناشی از پیوند سوسیالیسم با جنبش جهانی طبقه کارگر، بلکه مستلزم رشد و شکوفائی مبارزه طبقاتی و پاسخ به ضرورت و نیاز طبقاتی پرولتاریا در جریان این مبارزه طبقاتی است.

رشد مبارزه طبقاتی در سالهای اخیر و نفوذ عمیق کمونیسم در میان طبقه کارگر به ویژه در نتیجه فعالیت دائمی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در صفحه ۱۹

حزب کمونیست محمول در هم آمیزی و تلفیق سوسیالیسم و جنبش طبقه کارگر است. تلفیق سوسیالیسم و جنبش طبقه کارگر در همه کشورها به طور یکسان و به شیوه منحصر به فرد صورت نمی گیرد. ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر در هر کشور جز در شرایط تاریخی معین و بدون وجود زمینه های این در هم آمیزی، تصور نیست. کومه له بدون این که به این مسئله پاسخ مشخص بدهد، با حذف عنصر آگاه از بحث های ما فقط روی جنبش طبقه کارگر تأکید نموده و به این تعریف آشکار دست زده است که ریگای گل وجود جنبش های خود به خودی

★ اخباری از

جنبش مقاومت
خودمختاری

صفحه ۲۸

هه موو میلله تیک مافی دیاری گردنی چاره نویسی خوی هه پیه

نگاهی به...

از صفحه ۱

شکی نیست که جنایت انجام شده در طول این درگیری همیون اقدام اسرا و سوزاندن اجساد شهدا و غیره همه اموری هستند که نفرت و انزجار نه تنها نیروهای انقلابی بلکه هر فرد عادی را نیز برمی انگیزد و قنوت نهفته در این گونه برخورد ها تنها به هیچ وجه و طریقی قابل توجیه از سوی هیچ کسی و هیچ نیرویی نبوده و نمی تواند باشد و هیچ نیرویی و هیچ کسی نمی تواند از آن دفاع نماید. و حزب دمکرات کردستان ایران نیز باید در مقابل جنبش انقلابی ایران و جهان پانگکوی چینکن سائلی باشد.

اما آنچه که بینر از همه باید به آن پرداخت و ابعاد فاجعه اروامان محصول ناگزیر سیر پرشتاب آن است، سیاست و سیاستهایی است که در روند عمومی حرکت خود، نهایتاً هر از چند گاهی، به چنین شیوه هایی بیان عطفی می یابند، سیاستهایی که امکان نه تنها درگیری صلحانه، بلکه انتشار بیرحمانه را نیز در هر ابعاد و مقیاسی و در ادا طه منطقه ای خود، به وجود می آورند. و حزب دمکرات کردستان باید بداند که ترجمه صوفیه آخرین پلنوم او به زبان تشکیلات اترامان چیزی جز اینست نمیتوانست باشد و چه بسا در بسیاری نقاط دیگر اگر مسئولان با مسائل برخورد نشود، بدتر از این نیز بوده و منجر به درگیریها و کشتارهای بسیار وسیعتری گردد. بدیهی است که راه جلوگیری از درگیری تهدید به درگیریهای وسیع تر نیست. بلکه ارائه راه حل اصولی برای پایان دادن به آن به شیوه مسئولانه و از نقطه نظر منافع عمومی جنبش انقلابی است و نه عرض اندا ههای تهدید آمیز گروهی. و اگر حزب دمکرات امروز، واقعاً ادامه چنین برخوردی با مسائل را به سیاست عطفی خود در قبال

کومه له بدل ساخته است، جنبش باید منتظر بمبارانی اتفاقات دیگر و بدتر و فاجعه بارتر از این نیز باشد. اگر حزب دمکرات جز این فکری کند در عطفی باید همین امروز با اقدام قاطعانه در این زمینه، گامهای اساسی در تصحیح سیاست های خود را بردارد.

البته گونه له نشود در طول سالهای گذشته و با سیاست های سکاریستی خود نه تنها امکان چنین درگیری هایی را بوجود آورده است، بلکه با ادامه این سیاست مانع از ایجاد امکانات جلوگیری از تکرار چنین درگیری هایی شده است و در ادامه وضعیت موجود نظربارز، آشکارا همی دانسته است. نباید فراموش کرد که کومه له هیچگاه بهر سال گذشته و بعد از درگیری "کله" پای برخورد مسئولان با چنین فجایعی سرشته است و عملاً در راه رسیدن به هر گونه راه حلی نیز گشته و هیچگاه تا به امروز نه تنها به طمع بودن ادامه چنین روشهایی، اطمینان نکرده است. بلکه از گردن نهادن به هرگونه راه حلی نیز طفره رفته است.

کومه له امروز نیز با استفاده از وضعیت بوجود آمده، اینک آنچه را که تا کنون در لغافه می گفت، علناً به موضع رسمی خود بدل ساخته است و اخیراً وضعیت بحرانی کنونی را به شیوه خود تئوریزه و در صیروی خود بخودی کانالیزه نموده است. کومه له اگر تا دیروز سیاست خود را در قبال این درگیریها، با موضع رسمی دفاع از دمکراسی انقلابی در جنبش خلق کرد تئوریزه می نمود، امروز علناً با اعلان جازه حاد بین پروتسارها و سوزواری در کردستان و اوزبایی نمودن درگیری اخیر بعنوان انعکاس چنین مبارزهای، و شاخ و شانه کشیدن های پر طول و تفصیل منتج از افاضات تئوریک خود، بدون درن موقعیت کنونی جنبش انقلابی خلق کرد و روند عمومی مبارزه طبقاتی درونی آن، عطف و نظراً بر گسترش آتشی درگیریهای خود با حزب دمکرات صحنه گذاشته است. کومه له با استفاده از فدایبع اروامان، عنان گسیخته آن چنان

بین تاخته است که درگیری با حزب دمکرات را تا حد یک وظیفه صرم ارتقا داده است و به جای ارائه راه حل برای صدور ساختن مجاری گسترش آتشی آن، طرق و حمل های جدیدی را نیز فستاراه نیروهای خود باز گشوده است. طبیعی است وقتی که ضرورت تداوم چنین درگیری هایی به عنوان یک سیاست عطفی از سوی رهبری کومه له تئوریزه گشته و در میان نیروی کومه له اشاعه یابد و انتقام کشی های غیر مسئولانه با حمل های تئوریک بعنوان رهنمود ارائه گردد، باید جنبش انقلابی خلق کرد منتظر فجایعی به مراتب گسترده تر از فاجعه اروامان بوده و این بار محصولات رتکارنگ قهر و غضب ضادبان به اصطلاح "دمکراسی انقلابی" و "مارکسیسم انقلابی" را در این یا آن گونه شاهد و ناظر باشد، مسلماً کومه له با چنین تکرشی به صاله به بن بست رابطه دو نیرو و هر چه بیشتر دامن زده است. بن بستنی که اینک به حادثه ترین شکل خود در برخورد های طرفین منعکس است.

بگذار بگوئیم که بن بست کنونی در رابطه بین دو نیرو بیش از آن که از شدت و حدت این یا آن درگیری و ابعاد آن نشأت گیرد، قبل از همه و بیش از همه ریشه در سیاست های هر دو نیرو دارد. و تنها راه درهم شکستن بن بست موجود، نقی عطفی و نظری چنین سیاستهایی در تمامی وجوه خود و از طریق اقدامات عاجل، قاطع و عطفی در همین امروز است و گرنه قسراً بسیار دیر خواهد بود و در این میانه آنچه که بینترین لطمات را تحمل خواهد گشت صلاً (علاوه بر هر دو نیرو به تناسب حال و وضع و امکانات خود، جنبش انقلابی نه تنها خلق کرد، بلکه خلقهای سراسر ایران خواهد بود. امری که حزب دمکرات و کومه له عیلاً و نظراً هیچگونه اشتغالی به آن نداشته و ندارند.



پیرامون زمینه ها، علل و چگونگی درگیری اخیر حزب دمکرات و کومه له

● گزارش هیات اعزامی به اورامان

تحقیقات ارائه شده از سوی آن را، گامی در جهت برخورد فعال نیروهای انقلابی با مائو از قبیل این توطئه درگیری و جلوگیری از ادامه آنها با چنین شیوه هایی تلقی می کنیم که امیدواریم، انتشار این گزارش نه تنها گوشه هایی از واقعیت درونی رابطه این دو نیرو در منطقه از یک سو و واقعیت رسیدار اورامان از سوی دیگر را برای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و نیروهای انقلابی ایران و جهان باز نموده و روشن سازد، بلکه راهگشایی برای جلوگیری از هرگونه حوادثی از این قبیل در آینده گردد.

البته لازم به تذکر است که بنا به مصالح جنبش از هیچ کامل و جز به جز گزارش هیات خودداری نموده و تنها به انتشار خلاصه ای از آن اکتفا می کنیم.



داریم که ضایع حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد و ضرورت پیشبرد هرچه قدرتش در مبارزه کنونی نه تنها از تک تک این نیروها بلکه از کلیه کسانی که در مبارزه جاری نقش و جایگاهی دارند، انتظارات صریح و روشن و معینی دارد که اهم آنها حرکت در جهت ایجاد انجمن و هماهنگی در صفوف آن تشکیل می دهد که صلاً انجام آن از کتال جنبش درگیری هائی امکانپذیر نخواهد بود. و اگر تصدی در فعال ضایع اساسی جنبش احساس می گردد، صلاً راه انجام آن از رهگذر تن سیردن به چنین حوادث نوم و فیسر - مسئولانه ای نمی گذرد. جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان نه تنها خلق کرد بلکه سراسر ایران نباید و نمی تواند نسبت به چنین حوادثی بی تفاوت باشد.

لذا، ما انتشار گزارش هیات اعزامی به اورامان و تأیید

اطلاع داشته باشیم خواستار چنین ملاقاتی برای تبادل نظر ضروری شد. و از آنجا که بعد از اطلاع اقدامات مشترک طرفین، به ادامه برخورد های گذشته هر دو نیرو با صال و عدم برخورد ریشه ای آنها در این زمینه واقف گشت تصمیم به اعزام هیات متقنی به منطقه گرفته و انجام این کار را بعنوان یک اقدام عاجل در جهت انجام وظیفه خود در فعال جنبش تلقی نمود.

همانطور که طی همان نامه مزبور به هر دو نیرو تذکر گردیده است: "عمله و شدن چنین درگیری هائی در شرایط کنونی با هر انگیزه ای و از سوی هر نیروی قطعا جز در خدمت به ضایع ضد انقلاب و ضربه زدن به جنبش انقلابی ایران صوماً و جنبش انقلابی خلق کرد خصوماً نبوده و نیست. ما عیناً اعتقاد

بدنبال انتشار خبر درگیری اخیر حزب دمکرات و کومه له در اورامان، کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تاریخ ۶۳/۹/۱ طی نامه مشترک به دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان و کمیته مرکزی کومه له، خواستار نشست با طرفین برای کسب اطلاعات هر چه بیشتر و نیز قرار گرفتن در جریان دقیق تشریفات طرفین گردیده، اعلام داشت که اگرچه ما راه حل واقعی و قطعی پایان دادن به چنین ضایعات و نیز آنگاه اجتناب از چنین درگیریهای زیانباری را همان راه حل پیشنهادی خود جنسی بر تشکیل کمیسیون تحقیق و بررسی از سوی نیروهای انقلابی مورد توافق طرفین و ضرورت التزام به آن از سوی هر دو نیروی دافیم با این همه به رغم عدم امکان تحقیق راه حلی که همواره بر آن استیاده ایم، از آنجا که جنبش انقلابی باید از کم و کیف این درگیری

بوده و از سمت و جمعیت زیادی برخوردار نیست و کلاً منطقه ای را در برمی گیرد که از چهار طرف بین پایگاههای ایران و عراق محاصره گشته است و از طریق همین پایگاهها نیز منطقه ضام زیر آتش تیغانه طرفین مذکور قرار دارد و در طول چند سال گذشته مردم منطقه بیشترین آسیب جانی و مالی را از این رهگذر تحمل گشته اند. مردم این منطقه علیرغم وضعیت نامیدمان آن چه بدلیل این که در تیررس پایگاههای دو طرف

۱) مقدمه

وضعیت عمومی منطقه مورد نظر یعنی اورامان که محل درگیری پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در بیست و پنجم آبان ماه بوده به بخشی از اورامانات اطلاق می گردد که هم اکنون آزاد بوده و تحت کنترل پیشمرگه است. این منطقه بسیار محدود



قرار دارند و چه بدلیل این که عملاً امکان رفت و آمد آزادانه به هیچ کدام از ضائق تحت کنترل پایگاههای ایران و عراق را ندارند، دچار مشکلات ضاعفی در زمینه های مختلف از جمله از جهت فروش محصولات خود و تهیه "تجهیزات" اولیه زندگی بوده و هستند.

زندگی اکثریت مردم منطقه از طریق تولید محصولات کشاورزی و فروش آنها از قبیل "عمدناس" (نار) گندم، انگور و سقز (بنیشت به زبان محلی) و غیره می گذرد که در چند سال گذشته، خود فروش همین چند قلم محصول کم درآمد و تهیه وسائل زندگی بخور و نصیر به دلیل محاصره اقتصادی و نظامی کامل منطقه شکر بزرگ اهالی بنوده و هست. این کار اغلب یا از طریق راههای قاچاق و غیره صورت می گیرد که خود خالی از خطر نبوده و نیست و یا از طریق عرضه محصولات یاد شده به قیمت ناازل به کسانی که بعنوان واسطه عمل می کنند و تحویل اجناس مورد نیاز در مقابل، باز هم از همان اشخاص به قیمتی به مراتب گرانتر صورت گرفته و می گیرد.

بطور خلاصه آنچه که در مورد وضعیت منطقه مورد نظر و وضعیت مردم آن می توان گفت در مجموع علیرغم آزاد بودن اوراطان این منطقه بیشتر به یک اردوگاه، با وضعی کم و بیش زیاد شبیه است، با این تفاوت که مردم آن هر لحظه در معرض تهدید توپ و خمپاره و گلوله باران پایگاههای ایران و عراق قرار دارند و ضمن به سر بردن در فقر مزمن، از سطح زندگی و رشد اقتصادی، اجتماعات بسیار ناآرامی برخوردارند و عمدتاً روابط عقب مانده و سنت های قبیله ای بر زندگی آنها حاکم است و از سطح آگاهی بسیار پائینی برخوردار هستند و مدت مدیدی است (بعد از شروع جنگ ایران و عراق) که دنیای آنها تنها به شهر نسود و چند آبادی صران و نیمه ویران منطقه محدود گشته است. آنها هیچگونه اطلاعی از اقوام و آشنایان خود که به خارج از منطقه کوچ کرده اند ندارند. مردم منطقه نه تنها از نظر فرهنگی بلکه در تمام زمینه ها نیز در همان وضعیت قبلی باقی مانده اند و هیچ گونه نشانه ای از رشد فرهنگی در میان نبوده و مردم شدیداً مذهبی و درگیر

روابط و ضامبات حاکم بر تمامی حرمه های زندگی فقیرانه شان هستند. از نظر سیاسی اگرچه همانند سایر مناطق عقب مانده با برخی راه ها از قبیل دموکراسی، خودمختاری و کسوتیم و... تا حدودی آشنائی دارند ولی درک روشنی از آنها ندارند. در مجموع می توان گفت منطقه اگرچه در طول دوران بعد از قیام آزاد محسوب می گردیده، از نظر سیاسی رشد چندانی نکرده است.

قبل از شروع جنگ ایران و عراق و در فاصله ای که یک بار در کوران این جنگ خانمانسوز و ارتعاشی این منطقه بین نیروهای دولتی ایران و عراق دست به دست گردیده، حزب دمکرات و کومه له هر دو در آنجا حضور داشتند و فعالیت می کردند. اما بعد از آن و بعد از عقب نشینی مجدد نیروهای دولتی ایران و عراق از این بخش از اوراطانات تنها حزب دمکرات در این منطقه حضور داشته و با توجه به شرایط حاکم بر منطقه تنها نیروی حاکم بر آن محسوب می گردید و کلاً "برای اداره" آن قوانین و مقررات خاص خود را وضع نموده و اجرا می کرد و اداره منطقه توسط تشکیلات اوراطان حزب صورت می گرفته است.

مهم ترین قوانین و مقرراتی که در طول بیش از چهار سال گذشته حزب در آنجا به مرحله اجرا گذارده است، صائلی از قبیل کنترل رفت و آمد به منطقه و نیز اجازه دادن باقات ضلعی به افرادی که منطقه را ترک کرده اند و گوهبائی که درخت سقز دارند و... بوده است.

حزب در زمینه کنترل رفت و آمد به منطقه، تنها راه اتصال این منطقه به پاره از طریق نسود را در طول چند سال گذشته صدود ساخته است و می توان گفت در طول چند سال گذشته تا همین اواخر، رفت و آمد چندانی به منطقه از طریق داخل نبوده و حتی کسانی که به ملاقات پیشمرگان می آمده اند در محلی به نام "قلعه ز" در چند صد متری نسود نگه داشته شده و بعد از یک ملاقات و آن هم در حضور پیشمرگه به طرف پاره بازگشت داده می شدند. حزب دمکرات در این زمینه مرگوز بدلیل اینکه ممکن است رژیم از طریق این رفت و آمدها شبکه جاسوسی در منطقه ایجاد نماید،

با جاسوس بفرستند، یا افرادی که رفت و آمد می‌کنند، نقش وضعیت نظامی منطقه را در اختیار رژیم بگذارند و ... از ورود به منطقه و به دلیل این که اکثر افرادی که از منطقه خارج می‌گردند، برای رژیم اطلاعاتی برمی‌دارند و ... از خروج از آن جلوگیری نموده است.

و در زمینه اجاره باغات و ... معتقد است که اجاره دادن باغ، جاش و غیره مانعی ندارد و مائلی از این قبیل.

اما با ورود کومه له در بهار اسال در وضعیت راکد منطقه، اتفاقات جدیدی رخ داده است و از همان لحظه ورود کومه له، اختلافات دو نیروی مذکور و برخوردهای حادث آنها در زمینه مسائل مربوط به اداره منطقه، انعکاس بیرونی یافته است و تجربه برخوردهای مختلف در تمامی عرصه‌ها گردیده است. مائلی که در ارتباط با جگونگی اداره منطقه و حل معضلات آن، طرح و از سوی طرفین پیش برده شده است که در بسیاری زمینه‌ها عملاً نقطه مقابل همدیگر بوده و برخوردهای غیر اصولی و عملاً غیرسیاسی با آنها، زمینه ساز فاجعه‌ای محسوب می‌گردند که بر بنیان این اختلافات در آبان ماه گذشته شعله‌های آن تیزافروخته گردید و تعدادی از پیشمرگان هر دو طرف را در کام خود فرو بلعید.

زمینه‌ها و علل درگیری (الف) مسائل مورد اختلاف

تردیدی نیست که درگیری بین حزب و کومه له نه تنها در اورامان بلکه در تمامی موارد قلبی، آن نیز يك امر اتفاقی و غرض رده در آستان صاف نبوده و نیست. و به همین لحاظ نیز از صیر ضحمر به فرد خود در کل و با خود ویژگی‌های خاص آن در هر کدام از موارد مربوط به برخورد رده و هست. ما پیش از آن که در این گزارش در حد کلیات به ساله بپردازیم اساساً وظیفه خود را به تعقیب جز به جز سیر حوادث و چه بود و جگونگی ضمن و متنوای آن‌ها که در مقطع خاصی به درگیری خونین اخیر ضحمر شده اند، ضحمر می‌نمائیم.

مسائل مورد اختلاف حزب و کومه له را در منطقه اورامان، عمدتاً مسائل مربوط به جگونگی اداره منطقه در تمامی زمینه‌ها، تشکیل می‌دهد. حزب با توجه به سابقه فعالیت خود در منطقه و نیرو و امکانات خود، خود را نیروی حاکم محسوب می‌دارد، از سوی دیگر کومه له در جهت نقی این حاکمیت به طرق گوناگون و با طرح مسائل جدیدی در تمامی زمینه‌ها دست می‌یازد. برای آن که موارد مورد اختلاف طرفین را (که دلائل اصلی درگیری را باید در آنها جست) هر چه بیشتر روشن ساخته و جگونگی برخورد هر کدام از آنها را در این زمینه (که سابقاً درگیری اخیر شکل نهائی و حادثترین شکل آن است) روشن سازیم، سروری بر نقطه نظرات مسئولین تشکیلاتی هر دو طرف در منطقه نموده و تلاش می‌کنیم از این رهگذر برنویز آنچه که اتفاق افتاده است، انداخته و خواننده را قبل از آن که درگیر و در حوادث گپیچ‌کننده و تحیر و تحسراتگیز گرفتار آید و به دنبال کس یا کسانی که به پلیدی و یا از سر بد طبیعتی و غیره، اول یا آخر ماسه را چکانده است، در تبلیغات پر صر و صدای حول این فاجعه سرگردان شده به انتخاب و رد این یا آن بپردازد، به عقب آنچه که در ادامه خود، از لوله تفنگ زیانه کشیده است رهنمون شویم. ضو کمینه مرکزی و مسئول

تشکیلات اورامان حزب دمکرات می‌گوید: "تضاد حزب و کومه له، تضاد ایدئولوژیکی است. آنها (کومه له) خود را نماینده کارگر و ما (حزب) را نماینده سرمایه داری می‌دانند و مبارزه با بورژوازی یکی از اهداف آنان است. البته بورژوازی بی‌ده‌لالت" او اضافه می‌کند:

"کومه له در مدت این چهار سال در اورامان حضور سیاسی-نظامی نداشت مگر کسانی که اهل اینجا و سحات کومه بودند. بهار اسال چند نفر ... به منطقه آمده و وضعیت منطقه را بررسی کرده و برگشتند و بعد از مدتی خبر شنیدیم که کومه له ای به منطقه آمده، بر حسب اتفاق چند نفر از رفقای ما آنجا بودند از طرف برادران ما به کومه له می‌گویند که چطور بود شما بدون اطلاع به



بورژوازی بی‌ده‌لالت یعنی بورژوازی ای که در حاکمیت نیست.

هر کسی دلش بخواهد به هر نقطه ای می خواهد برود... و آزادی اینجا قبضه شده... حتی يك نوره از جعبه خودشان عقب نشینی نکردند و ما مجبور به عقب نشینی شدیم. بعد از آن که رفت و آمد را آزاد کردیم گفتیم... بگذار افرادی که می روند و سائل با خودشان ببرند... بگذار در ضيق باشند، دوباره بر سر این صاله نشستیم ولی آنها راضی نشدند و ما مجبور بودیم عقب نشینی کنیم ناراحتیم از این که بخاطر چند نفر آزارشیت از قوانین و مقررات خود عقب نشستیم.

در نبود باقی بوده نام منطقه رزی هم به نام (ص) مادر کمال (اگرچه محمدی پیشمرکه کوپله که در درگیری اخیر کشته شد) که شوهر این زن جاش است و در سه حلقه به نبود حضور داشته، این باغ هم پائین پاسگاه رژیم است. این زن می خواست این باغ را به اجاره بگیرد که از طرف ما رد شد. و می گفتیم هر باقی را که می خواهید به شما می دهیم ولی باغ منطقه نه. کومه له گفت باید (ص) به آن باغ برود و اجاره اش کند. صاله به شما شورا رسید کومه له گفت شورا را به رسمیت نمی شناسیم. باره مردم جمع شوند. مردم گفتند دوباره پایتخت می روند (ص) به آنها برود. که باز حاضر نشدند آماده باش دادیم و آماده درگیری شدیم، نیرو جمع کردیم و سنگر بندی از دو طرف شد. دوباره مردم آمدند و نصایند مردم و جمع شدند، ما طرحی دادیم که يك نفر دیگر را شريك این زن بگیریم آن يك نفر محصولات را جمع کند ولی (ص) به باغ نرود که باز هم (ص) به باغ می رفت، باز ما عقب نشینی کردیم. مرتب تبلیغ می کردند، در میان مردم که ما قدرت گرفتیم و می گفتند بیروز شدیم که به کینه سرکشی خودشان هم نوشته بودند.

چند دفعه در نبود ما خواسته بودیم که اسم شب مشترک داشته باشیم، چند روز گذشت آنها کم کاری کردند، ما به نظر آنها می رفتیم برای اسم شب که نمی دادند، در شبها به است پیشمرگان ما توبیخی نمی کردند، سر را عوض کرده باز به سر نگهبانها می آمدند، بی اعتنا به است پیشمرگان...

منطقه آمدید حداقل محل نظر و محل کین ها... را از ما می پرسیدید. نه این که منطقه ها را بردوش بگذارید و هیچ سوالی از ما نکنید. م.ر. (از کومه له) می گفد: ما حزب دمکرات را نمی شناسیم. حزب کمونیست به ما دستور داده. هر کسی جلوسا را بگیرد با گلوله جواب می دهیم. صاله به کینه شهرستان رسید. ما هم... به صاله خاتمه دادیم، البته پیشمرکه ناراحت می شود بعد از سه سال حفظ منطقه کومه له بدون اجازه نباید. لاقل شعور آن را نداشته باشد که از پشت مقررها بشود يك نفر را کشته بفرستد، به مستون يك حرکت کرده به

هر ارتش می رفتند، تیراندازی می کردند... بعد از مدتی تبلیغ و دور کردن مردم از حزب و فراخواندن مردم به نزد خود شروع کردند... به تبلیغ علیه حزب پرداختند، حزب از کدام منطقه به کدام منطقه عقب نشینی کرد، حزب دمکرات از مردم می گیرد، اجاره دادن باغ جاش کار صراطی داری است و شما نباید بگذارید این کارها بشود... سائلی در منطقه درست کردند و بعد از مدتی از ما خواستند که ما پیش آنها برویم و با هم بنشینیم و تنه روز فلان در جمعیتی حضور به هم رسانیم) ما هم این کار را نمی کردیم چطور شما دو روز به اینجا آمده اید، می خواهید ما پیش شما بیاییم... صاله راه هاوار... يك نوع مبارزه علیه حزب بود. ما در محل هائی مانند تخت جام و... برای آن کسه چه های مردم می سواد بار نباید، مدرسه گذاشته ایم و کومه له علیه این مدرسه ما تبلیغ کرده و حالا

۱۰. الفی ۳ نفر به مدرسه نمی آیند: رفت و آمد به باوه: اینجا مثل سایر جاها نیست. چون راه انحرافی و غیره ندارد. منطقه نظامی است. هیچ رفت و آمدی بدون اجازه رژیم صورت نمی گیرد... ما قرار و نظمی گذاشته بودیم اگر کسی به ملاقاتی بیاید در محلی به نام "قه لوز" حق ملاقات دارد و دیگر به داخل شهر نمی آید. به خاطر برداشتن نقشه منطقه و جاسوسی و... این کار ما بخاطر منطقه بوده و حفظ منطقه... کومه له به اینجا آمد، مخالف این کار بوده و گفت

حزب را ندارید. کومه له میگوید ما باید تبلیغ اهداف سیاسی خود را بکنیم و با سرپیشتی اشتباه نیروی دیگر را افشا کنیم. حزب میگوید شما حق ندارید مقرر بگذارید و کومه له همراهِ به کار خود ادامه می دهد و این حق را تشکیلات برای ما تعیین می کند که در هر نقطه ای مقرر بگذاریم. حزب هم دست بکار شده و تبلیغ می کند که مردم ما را در خانه هایشان راه ندهند مانند: اینجا منطقه را ترک کردند و اینجا کسریست هستند.

بعد از مدتی فعالیت ما شروع می شود. تبلیغ سیاسی اهداف خود و تبلیغ ضمیمه اقدامات و کارهای حزب در منطقه مانند: اجازه دادن باغات، اجازه درخت مسخره بستن راهها و ...

... از بهار که ما آمدیم حزب طرح توطئه ای داشت (باغ صنوبر) که از طرف ما خنثی شد. و با دخالت مردم ما کوتاه آمدیم و صانه را ختم دادیم. صانه اجازه بجا باغات که قبلاً ۱۰ هزار تومان و ۱۵ هزار تومان بود با آمدن ما در این مدت خیلی کم شد. مردم با راهنمایی های ما روشن شده و وضعیت قبلی را قبول نمی کردند. و دیگر صانه راه و اجازه بها سقر کردن و این که رفت و آمد باید آزاد باشد. و مردم هم خودشان باید فعال باشند ... مسائل و خوار و بار بیاورند که حزب می توانست این کار را بکند که البته این کار را کرده

در تاریخ ۶۳/۶/۲ نیز نشستی با مردم شده بود با همکاری شورای شهر نمود و از مانتقضای شرکت کرده بودند صانه کوپونه ده (نست) رفت و آمد به ایران خوار و بار و ... بوده ما هم نماینده خود را فرستاده حرفها و سیاست خود را گفتیم. در جلسه گفته شد که هیاتی با نمایندگان ما و حزب و مردم تشکیل شود ... نماینده حزب در این نشست گفته که ما حاضر نیستیم با کومه له بنشینیم و هیاتی تشکیل دهیم ...

صانه رفت و آمد به ایران بود که قبلاً حزب نمی گذاشت کسی به منطقه بیاید و اگر کسی می آمد در محلی به نام "قه لوه ز" ملاقات می کرد با حضور پیشمرکه و از آنجا برمی گشت به طرف ایران. ما مخالف این کار بودیم و با حزب نشستیم و بحث کردیم. حزب می گفت رژیم از طریق رفت و آمد جاسوس می فرستد

مردی بدنام (نام پسر) به مردم می گفت بیایید به پاوه برویم. چرا اینجا نشستاید؟ ما هم او را گرفتیم و گفتیم حق تبلیغ در میان مردم را ندارید. خردت می روی، بروید که کومه له از او دفاع کرده، برای پیشمرگان ما دستور ترفتنده که (م) و ادویر کومه له نمی گذارند، پیشمرکه کومه له لوله تفنگش را بروی سینۀ (م) که بدون اسلحه بود گرفته می گوید ضروری و ضروری است.

سرانجام مردم آمدند و خواستند که اجازه بدیم به پاوه بروند ما هم تا ۶۳/۸/۱۳ قسراً گذاشتیم که هر کس می خواهد در این فاصله برود ما نمی توانیم (بگذاریم) هر روز هر کس دلش می خواهد برود عده ای رفتند، بعد از این مدت تعیین شد روز ۸/۲۴ دو نفر که زن و بچه همراهشان بودند از پیشمرگان ما می خوانند که به پاوه بروند. حزبها می گویند چرا در وعده خودتان ترفتنده و الآن نباید بروید. کومه له اینجا به آنها می گویند که ما شما را رد می کنیم.

(از گفتگو با مسئول تشکیلات اورامان حزب) در مقابل اظهارات بالا مسئولین کومه له در منطقه نیز نقطه نظراتی دارند که در گفتگو با مسئول تشکیلات اورامان کومه له رئیس اماسی آنها روشن گشته است و برای آن که بتوانیم یک جمع بندی روشن از مسائل مورد اختلاف طرفین بدست داده و به ریشه یابی حوادث بپردازیم ضروری است به این گفتگو مراجعه نماییم:

مسئول تشکیلات اورامان کومه له می گوید: "آمدن کومه له برای حزب قابل قبول نبود، چون نمی توانستیم و می دانست که کومه له مخالف کارهای حزب است. در اوایل برای موجودیت خود از طرف کمیته شهرستان افرادی را فرستاده بودند که شما حق ندارید به این منطقه بیایید، چون ما در منطقه بوده ایم و باید از حزب اجازه بگیریم و ما اجازه فعالیت به شما نمی دهیم ... رفقای ما هم تند و تیز در مقابل این حرفها می ایستند و می گویند ما آمده ایم که با شما همکاری کنیم و شما ما را باری و راهنمایی کنید (از نظر میدان بین و کمن ...). در محل دیگر حزب جلوی رفقای ما را درگیر و اخطار می کند که شما نباید تبلیغ کنید و حق تبلیغ علیه

برای شناسائی منطقه که ما مخالفت کردیم و گفتیم اگر رژیم بخواند شبکه جاسوسی درست کند از دست پیرزن استفاده نمی کند. و ساله دیگر رفتن به ایران بود که حزب می گفت کسی حق ندارد برود و وسائل خود را به همراه ببرد. ما هم سیاست خود را توضیح می دادیم و می گفتیم باید رفتن مثل آمدن آزاد باشد. و سایل خود را هر کس خواست همراه خود ببرد آزاد است ولی حزب یا موافقت نمی کرد و اگر هم موافقت می کرد می گفت باید یک سری از وسائل را صادره کنیم. ساله دیگر باز دید وسائل بود که حزب می گفت هر کسی به شهر می رود باید وسائل او را باز بدهد. کنیم شاید نواری همگی و یا نامه ای از کسی یا منطقه ... و ما مخالف این کار بودیم و به حزب می گفتیم اگر شما به کسی مشکوک هستید می توانید قبلاً این کار را بکنید نه در موقع رفتن.

البته بین کومه له و حزب بر سر این که اگر کسی به حزب مراجعه کرد و یا برعکس به کومه له مراجعه کرد هر طرف حق داشته باشند آن فرد را ببرند تا از منطقه خارج شود، توافق لفظی صورت گرفته بود. بین کاک ر. و ... و در ضمن چندین مورد این کار شده و حزب مخالفتی نکرده بود.

روز ۸/۲۴ دو نفر می خواستند به پایوه بروند، حزب مخالف بود و کومه له موافقت کرد که آنها را رد کند البته روز ۸/۲۴ باران آمد و نتوانستند بروند و روز ۸/۲۵ حرکت کردند که صبح همان روز درگیری شروع شد. البته روز ۸/۲۴ (ع.ج. ۱۰) گفته بود اگر اینها بروند آتش بپا می کنیم... (از گفتگو با مسئول تشکیلات اورامان کومه له) اگر برگشته های هر دو طرف دقت نموده و مسائل فیما بین را جمع بندی کنیم در حقیقت موارد اختلاف و مسائل مورد مشاجره آنها و با توجه به وضعیت عمومی منطقه و مسائل آن چنین خواهد بود:

۱- چنانچه ساله دادن "اطلاع" به حزب دموکرات در مورد ورود به منطقه و تاکید آن بر روی حفظ منطقه و غیره و نهایتاً تعدیل آن به امر آگاهی از کمین و میادین مین و غیره روشن می کند که حزب دموکرات اطلاع دادن ورود کومه له به منطقه را که تحت کنترل کامل خود بوده حق خود میدانسته و کومه له چنین حقی را به حزب دموکرات نداده و سیاست خود را در پیش گرفته است. کومه له پشت

این اطلاع، قطع تبلیغات و تذکرات متعدد حزب را دریافت داشته و فعالیت خود را با تبلیغ علیه اقدامات و کارهای حزب دموکرات شروع کرده است. مانند اجازه باغات اجازه درخت سقز و بستن راهها ... که حزب دموکرات نیز برای هر کدام از آنها دلایل خامر خود را داشته است و بعنوان نیروی مستقر در منطقه قوانین و مقرراتی در زمینه اجازه دادن باغات متعلق به جاشها درخت های سقز و کنترل رفت و آمد که کومه له مخالف آنها بوده است.

۲- در زمینه ساله اجازه ها حزب دموکرات در برخورد با کومه له تن به عقب نشینی داده اجازه ها را تعدیل می کند و در زمینه گمرکات و غیره و مسائل مربوط به خرید و فروش محصولات نیز در حقیقت با توجه به اقدامات عملی و تبلیغات سیاسی کومه له، تن به عقب نشینی هائی می دهد ولی اختلاف اصلی همچنان پابرجا می ماند.

۳- حزب دموکرات در زمینه کنترل رفت و آمد به پایوه با استدلال های خود یعنی بر "نظامی بودن منطقه" و جلوگیری از برداشتن "نقشه منطقه راجامی و ... جلوی آن را به کلی گرفته بوده است که بعد از آمدن کومه له و با توجه به برخوردهائی که وجود داشته است بر این زمینه نیز به آزادی محدود رفت و آمد تن می دهد ولی باز هم حل ساله بطور کامل پابرجای می ماند.

در زمینه برخورد به کسانی که از منطقه بطور کلی به پایوه و ... می روند حزب خواهان جلوگیری از خروج اینگونه افراد بوده است با این استدلال که این افراد می روند و برای رژیم اسلحه برمی دارند نهایتاً به صادره اموال چنین افرادی و نیز در هنگام خروج از منطقه باز می و سائل آنها با استدلال این که ممکن است همگی، نقشه ای و یا نامه ای یا خود ببرند، بوده و کومه له با این امر کلاً مخالفت کرده، می گوید اگر به کسی مشکوک هستید قبل از آنکه خارج شود باید این کار صورت گیرد.

در این مورد اگرچه کومه له اعنا دارد که توافق لفظی بین حزب و کومه له بوده که هر کسی به هر کدام از نیروها مراجعه کرد او آن فرد را رد نماید، ولی حزب هیچ گونه اشاره ای به آن نداشت و وجود چنین توافقی را قبول ندارد.

۴- در مورد شوراهای موجود، حزب می گوید

بهره برداری شیوه برخورد خود کومه له بسی تأثیر
نموده است.

آنها در زمینه اجاره باغات و غیره و نیز صالیه
رنت و آمد به پاوه و تهیه مایحتاج ضروری مردم
منطقه در موارد مختلفی تا حد درگیری پیش
رفته اند در مقابل توده های مردم پیشروگان هر دو
طرف به همدیگر توهین کرده اند دست به یقه شده اند
اسلحه کشیده اند و این کار نه یکبار بلکه به کرات
صورت گرفته است.

چنانچه مسئول تشکیلات ارامان حزب در برخورد به صالیه باغ
منطقه و اجاره آن می گوید: "آماده باش داریم
آماده درگیری شدیم؛ نیرو جمع کردیم و سنگر بندی از
دو طرف شد. با در مورد دیگری در برخورد دیگری
در مورد فردی به نام کمال بگروگسوی طرفین ضجر
به "سنگرگیری" می گردد. جالب است که هر دو
جریان مستند در مقابل همدیگر با دخالت مردم
"عقب نشینی" کرده یا "کوتاه آمده" اند. ولی این
"عقب نشینی" یا "کوتاه آمدن" بر چه اساسی استوار
بوده و چگونه در عمل تثبیت می گردید و چقدر
ضمیمت حاصل از آن برای هر دو طرف که حاکی از
یک توافق می بایست باشد قابل اعتنا بوده و هست؟
حزب معتقد است "مجبور به عقب نشینی" شده است
و کومه له می گوید "برای خاتمه دادن به توطئه
... کوتاه آمده است".

همه این گونه موارد و این شیوه برخورد به
مسائل بیانگر آن است که هیچ گونه رابطه سیاسی ای
که در چارچوب آن بتوان بر سر مسائل اگر نه به توافق
به حد و مرز معینی از اختلافات رسید و بر اساس
آنها حرکت نمود، وجود نداشته است. حزب از اینکه
کومه له از آنها خواسته به پیش آنها بروند ناراحت
بوده و کومه له آنها دارد که حزب به ناحه های آنها
پاسخ نداده است. حزب معتقد است که کومه له
شوراها را به رصیت شناخته است، و کومه له می گوید
حزب به قرار نشست پیرامین مسائل مختلف مبنی بر
تشکیل هیاتی با شرکت حزب و کومه له و نمایندگان
مردم، و تعقیب ننشاده است. در حالیکه کومه له از
وجود تنها یک توافق لفظی بین خود و حزب حداقل
در مورد صالیه رفت و آمد به پاره صحبت می کند

حزب بسی اطلاع خود از چنین توافقی را مطرح
می سازد. حزب از بسی اعتدال پیشروگان کومه له به

کومه له شوراها را قبول نداشته و چنانچه از صحبت
یکی از مسئولین کومه له در موقع ورود دیدار با
اعضای شورای شهرمی به آنها افلام می دارد که صا
شورا را قبول نداریم. امری که مسئولین کومه له
نیز آن را تأیید کرده و جانبداری خود از تشکیل
مجمع عمومی را آشکارا بیان می کردند.

مجموعه این اختلافات که همگی آنها ناظر به
امر اداره منطقه و چگونگی برخورد با مسائل
مختلف مربوط به زندگی عمومی توده ها بوده و هستند،
از جمله مسائلی بودند که هر دو نیرو در مورد هر
کدام از آنها نقطه نظرات خاص خود را داشته که
یکی از آنها (حزب) به نقطه نظرات خود عمل می کرده
و منطقه را طبق سیاست خود اداره می کرده است و
دیگری (کومه له) با ورود خود به منطقه تمام
هم خود را صرف نفی ضمیمت موجود و اعمال
سیاست های خود از طریق افشای سیاست های حاکم
گردیده است. تناقض بین این دو نیرو در این زمینه
مختصر، نیز مجموعه "ستر اصلی برخوردهای آنها را
تشکیل می داده است که باید دیده شود این
برخوردها چه سیر معینی را دنبال نموده است، و
چگونه بوده است؟

ب) برخوردهای متقابل و سابقه

درگیری در منطقه

آن چه که صحبت های مختلف آشکار می سازد و
بسیار در سخنان مسئولین منطقه ای هر دو تشکیلات
نیز به صراحت بیان شده است برخورد هر دو طرف از
هر مضمی نقطه طرف مقابل به "ناح" گوناگون
بوده است، از همان اولین برخورد، حزب تلاش کرده
به عنوان قدرت اداره کننده منطقه با کومه له صحبت
کند و کومه له نیز در مقابل با جوابی که داده است
آب پاکی را روی دست حزب ریخته است. در زمینه
تهدیفات طرفین در مورد همدیگر کومه له هدف
تهدیفات سیاسی خود را "تبلیغ علیه اقدامات و کارهای
حزب..." قلمداد نموده و حزب با توسل به این که
آنها کمونیست هستند و غیره از اتهامات ظهیری
مردم بهره برداری نموده است. اگرچه در این

(یکی از اعضای کمیته شهرستان حزب) می گوید که اگر فردا شط (منظور دوفسر مذکور است) به یاره برسد، آتش به پا می کنیم و بدنیال آن سخنانی متی بر دامن زدن به چنین آتشی (به این شکل " ما هم روی آتش بخیزیم می رویم " از طرف ادویرس پیشمرگ کومه له) از سوی پیشمرگان کومه له گفته می شود که در مجموع جز متشنجی را دامن می زند. امری که در میدان رقابت بین دوفسرو و در شکاف میان آنها بدون توجه هیچکدام از طرفین به عواقب صاله با پافشاری هر کدام از طرفین بر موضع خود به کهریت استعمال حادثه بدل می گردد.

۲ چگونگی درگیری (الف) در قه لوز

صبح روز ۲۵ آبان ماه در ادامه درگیریهای لفظی روز قبل بین پیشمرگان حزب و کومه له اولین تیراندازیها در محلی به نام قه لوز نزدیک شهر نوید آغاز می شود. شروع درگیری ابتدا در نتیجه بگو و مگوئی است که بین پیشمرگان حزب و کومه له بر سر باز دید مسائل خانواده هائی صورت می گیرد که با حمایت کومه له قصد خرج از نوید را داشتند.

این بگو و مگو بین مسئول بدست پیشمرگان کومه له با یکی از کادرهای حزب که به همراه عده ای دیگر از پیشمرگان حزب همان روز صبح به قه لوز رفته بودند صورت می گیرد که نهایتاً با پافشاری هر دو طرف روی موضوع خونه و گرفتن آرایش نظامی منجر به تیراندازی طرفین و پراکنده شدن آنها می گردد. یکی از شاهدان عینی ماجرا که خود جزو خانواده هائی بود که می خواست آنروز بستانش را به پناه روانه کند میگوید: " صبح چهار پیشمرگه کومه له قرار بود به خانه ما بیایند که با هم به قه لوز برویم. به قه لوز که رسیدیم (م.) (پیشمرگه حزب) گفت که حزب راضی نیست شط به پناه بروید (ح. م.) گفت که ادویرس (پیشمرگه کومه له) گفته که بین ما و حزب در این مورد قرار بوده، هر کسی به حزب مراجعه کند حزب او را رد کند، و هر کسی به کومه له مراجعه

است شبانه پیشمرگانش و کم کاری آنها در زمینه تبادل اسم شب می گوید و خبره بالاخره هر کدام از دو جریان از تنها چیزی که تخطی به میان نمی آورند، حداقل شکری فیما بین طرفین در منطقه که هیچ بلکه ایجاد جزئی بر صحنای مناسبات متقابل یا هرگز نه اختلافی در شرایط کنونی بر اسمار اجتناب از درگیری نظامی و غیره که هر دوی آنها آن را امری به نفع رژیم محسوب می دارند، هست. مهم ترین مسائل مورد اختلاف این دو نیرو در منطقه بیش از همه چنانچه هر دو طرف روی آن تاکید دارند در ارتباط با مسائل توده های زحمتکش اهالی بوده و هست و به قول خود آنها نیز درگیری های آنها در تمامی مواردی که حادثه با دخالت خود همین مردم بالاخره منجر به " عقب نشینی " یا " کوتاه آمدن " شده است.

بالاخره علیرغم وجود اختلافات بسیاری در تمامی زمینه ها از برخورد های طرفین چنین بر می آید که به بیش از همه آنها مسائل مورد نظر را به انگیزه و هدف رقابت های گروهی خود نموده اند تا هدف حل مسائل مورد اختلاف خود را مد نظر داشته باشند. آخرین برخورد آنها بیانگر گوشه ای از این روابط است.

روز ۲۶ آبان ماه دوفسر می خواهند با خانواده هایشان به پناه بروند و از پیشمرگان حزب می خواهند به آنها اجازه خروج از منطقه بدهند. پیشمرگان حزب به آنها می گویند چرا در محلات تعیین شده (یعنی از ۸ تا ۱۳ آبان ماه که خروج از منطقه آزاد اعلام شده بود) نرفتید و با رفتن آنها مخالفت می نمایند. در همین حین پیشمرگان کومه له که در میدان شهر (که طبق عادت معمول مردم و پیشمرگان دو طرف جمع می شوند) حضور داشتند به آن دوفسر می گویند ما شط را رد می کنیم. بر سر رفتن یا نرفتن این دوفسر در صحرهان روز درگیری لفظی بین پیشمرگان حزب و کومه له در می گیرد که منجر به سنگر گیری طرفین می گردد. و در مقابل پیشمرگان کومه له که با آنها قرار برای رد کردن از قه لوز می گذارند پیشمرگان حزب

حقوق ملل در تعیین سر نوشت خویش حق مسلم آنهاست

بخش و پلا شدیم و من هم رفتم وضع بگیرم ...
رگبار کرد ...

آنچه که اداسه تحقیقات روشن می سازد این است که بهانه اصلی درگیری، اختلاف طرفین بر سر جلوگیری از رفتن خانواده ها از سوی حزب و رد کردن حتی آنها از سوی کومه له بوده و بحث های دیگر از قبیل اصرار بازید و غیره بیش از آنکه بخواهد راه حلی برای این صئله باشد به نظر می رسد تنها برای یافتن بهانه برای شلیک به سوی یکدیگر بوده است که نهایتاً نیز این کار از سوی پیشرگان حزب انجام گرفته است. البته اصرار کومه له بر مواضع خود در تمامی مسائل مربوط به رد کردن حتی این دو خانواده مهضرن زمینه و بهانه را برای درگیری فراهم نموده است. که البته در ایمن بیاندازی کسی زخمی و کشته نشده است. این خود آشکار می سازد که بدلیل وجود مردم در میکان پیشرگان عمدتاً رگبارها هوایی بوده است.

ب) در نوسود

بدینال شروع تیراندازی در قله که به فاصله حداکثر ۱۰ الی ۱۵ دقیقه درگیری به داخل شهر نوسود کشیده می شود. پیشرگان مستقر در مقرر حزب و کومه له با شنیدن صدای رگبار در اطراف مقرر ها متحرک می شوند. چیزی نمی گذرد که مقرر کومه له از جانب پیشرگان حزب مورد اصابت آرمی جی قرار می گیرد. لحظاتی سکوت همه شهر را فرا می گیرد و بعد از آن تیراندازی از نو شروع می شود. بعد از اینکه مقرر کومه له درهم کوبیده می شود و پیشرگان کومه له پراکنده می شوند در جریان درگیری یکی از پیشرگان کومه له بنام (م) زخمی می شود و یکی دیگر بنام ادیس کشته می شود. نهایتاً چهار پیشرگ دیگر که مقاومت می کردند از جسطه نخست طلعت در لحظات آغاز درگیری و سپس در دقایق پایانی درگیری در شهر ریسوار علی و حید با وساطت مادر یکی از پیشرگان (م) خود را تسلیم می کنند و پزشکوار کومه له بنام (قد) به همراه شخص دیگری بنام (ا) (هوادار کومه له) دستگیر می گردند. برخی تلاشهای

کنده کومه له او را رد کند. (م) به سائلیا دست زد و بازید کرده گفت باشد هرود. (م) به (ن) گفت تو که به ما سرافجه کردی. (ن) هم در جواب گفت آری ولی حزب با رفتن من به پاوه مخالفت کرد. (م) دوباره گفت باشد هرود. پیشرگان حزب ریسوار بودند و متحرک گرفته بودند، ما هم سائلیا را برداشتیم و رفتم (م) گفت جدا شود. (و) (پیشرگه کومه له) گفت چرا جدا شویم که ناگاه یکی گفت تکان نخورید و بعد گفت بنزید ... او در اداسه و در پاسخ به اینکه چه کسی گفت تکان نخورید می گوید: " (ع ج ۰) بود. " (او یکی از کادرهای کهنه شهرستان حزب است.)

(و) پیشرگه کومه له نیز می گوید: ... (م) که من خواست به داخل کوچه بالای جاده هرود و ما هم در حال حرکت به طرف پاوه بودیم، از پائین جاده ما را ایست دادند. گفتند نمی گذاریم، کسی حرکت کند. گفتند نروید. همزمان با ایست ما را از پشت به رگبار بستند و ما هم متفرق شدیم. خودم را به خانه ای انداختم و بعد از مدتی که بیرون آمدم و چند تیر هوایی شلیک کردم به بعضی اینکه از خانه بیرون آمدم مرا به رگبار بستند. تیراندازی در قله که حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. اما پیشرگان حزب چه می گویند. (م) پیشرگه حزب می گوید:

" در آن روز (۲۵ آبان) که رفتم کهن ۶ نفر بودیم ... چون ساعت نداشتیم نمی دانم که ۶ یا ۵ بود. دیدیم که از اهالی نوسود چند نفر می آیند و قس آنها به ما رسیدند ... گفتیم اسباب ها را بگذارید زمین که بازید کنیم ... یکی از آنها گذاشت ولی دیگری نگذاشت که پیشرگه ای بنام (و) گفت ما آمده ایم که آنها را رد کنیم ما گفتیم که اگر کاری نمانده ما باید آنها را تفتیش کنیم. (و) گفت که ما نمی گذاریم و ما هم گفتیم که کاری نکن که درگیری ایجاد شود. پیشرگان کومه له که ۶ نفر بودند به طرف دکان واحد رفت و فقط (و) پیش ما ماند. او گفت بعنوان حزب کمونیست و ما هم گفتیم بعنوان پیشرگه دسکرات و ریسوار گفت دسکراته دسکرات! مزدور مزدور است. من با گتوله جواب می دهم ... (و) گفتند زد و ما

در این زمینه ضرر کمیت درگیری و مشورت تشکیلات
اورامان حزب دسکرات می گوید:

"دواره عده ای از پیشمرگان ما به قه لومزی می روند.
باز در آنجا تیراندازی شروع می شود و عده ای از
پیشمرگان ما که از روستای قلعه گاه می آمدند می بینند
که پیشمرگان کومه له هستند. یک نفرشان به تمام
بختیار که می خواهند خودش را تسلیم پیشمرگان ما
کنند یکی از پیشمرگان ما بنام عزیز به نزد او می رود
گفته می شود و تیراندازی از طرف رژیم هم شروع
می شود درگیری شدت یافته بختیار نیز کشته می شود.
در مورد اسراء طلبیه را حدود ساعت ۴ دستگیر
می کنند که با وساطت یکی از اعضای شورای شهر
نوسود و پیشمرگه به درگیری حزب نگهبانی برای آن
می گذارد. و ۳ نفر دیگر از پیشمرگان کومه له تا
حدود ساعت ۵/۱۰ تا ۱۱ مقاومت می نمایند و در همین
حدود یعنی در دقیقه پایانی درگیری خود را تسلیم
پیشمرگان حزب می کنند که دست بسته به خانه ای
برده می شوند و برای خورودن نهار دست آنها
را باز می کنند. بعد از خوردن نهار طلبیه را نیز
پیش آنها می آورند و در همان حواله وحش (ق) و
(ا) نیز دستگیر می گردند. بعد از ظهر دو نفر از
کادرهای کشته تبرستان حزب دسکرات به همراه
تعدادی پیشمرگه می آیند و عینه، ریویار طی و طلبیه
را که غیر از طلبیه همه آنها دست بسته بودند با
خود می برند و قبل از این کار به هیچ کس اجازه
خروج از خانه نمی دهند.

ولی بعد از ظهر همان روز حدود ساعت چهار
جنازه این چهار نفر در دره هرات و اطراف جاده
پیدا می شوند. که پیشمرگان حزب دسکرات بگی مکر
اسارت این چهار نفر شده و می گویند آنها در جریان
درگیری در آن منطقه کشته شده اند. اما آنچه که
روشن است، اولاً در مورد اسارت این چهار نفر
دلایل و شواهد کافی وجود دارد، ثانیاً همانطور که
گفتیم به شهادت اهالی نوسود هیچ گونه درگیری
بین پیشمرگان حزب و کومه له در دره هرات وجود
نداشته، درگیری عمدتاً در مقررهای و باغات اطراف
نوسود بوده، ثالثاً شواهدات عینی ما در محلی که
پیشمرگان حزب بعنوان محل درگیری نشان داده اند
هیچ گونه آثار اسارت گلوله بر پوسته سنگ دیواره پل
و غیره را نشان نمی دهد. و نیز هیچگونه علائمی

اولیه مردم برای انگار درگیری از سمت یابی درگیری
به دلیل تشدید فزاینده آن به تشدید می رسد و بقیه
پیشمرگان کومه له سر باغات اطراف نوسود پراکنده
می شوند. این عده بعد از ظهر در تمام دیگر جمع
شده و با قصد این که شب بتوانند به پیشمرگان حزب
ضربه بزنند سعی می کنند با تهیه نان در همان باغات
باقی بمانند که در صبح پیشمرگان حزب افتاده با
آنها درگیر و مجبور به عقب نشینی گردند که در این
درگیری یک پیشمرگه حزب بنام عزیز و پیشمرگه دیگری
از کومه له بنام بختیار به شهادت می رسند.

در این زمینه عزیز مسئول نظامی کومه له می گوید:
"من به داخل باغچه قرار محل را که تها تمین
کرده بودیم، رفتم؛ یا مد فکر که در راه قه لومز کم
شده بودند. بعد به توار بختی رفتم. این محل را
را خش ماه قبل نیز برای درگیری با رژیم تمین کرده
بودیم و اولاً حدم نمی زدم و فکر نمی کردم که با
حزب درگیر شوم! در محل آخر ۲ نفر از گم شدگان
را پیدا کردیم. در آن موقع به محلی رفتم تا ساعت
حدود ۳ یا ۵/۳ به محلی نوسود حرکت کردیم که شب
به حزب ضربه بزنیم... از چند خانه نان آوردیم و
در قه ای شستیم نان بخوریم. در این منطقه
پیشمرگان حزب حدود ۳ نفر به ما نزدیک می شدند
و فوری ما برایشان سنگ گرفتیم، ساعت ۴ درگیری
شروع شد. در این لحظه به ما حمله کردند و محاصره
شدیم در این محاصره یکی از پیشمرگان ما به نام
بختیار اسیر شد. بختیار و ابراهیم با هم در یک
سنگر بودند."

ابراهیم پیشمرگه کومه له هم می گوید:
"ما وقتی سنگر گرفتیم محل ما طوری بود که کسی
را نوسود دیدیم ولی خیلی نزدیک بود بختیار توانست
بسیار بختیار را صدا زدند بختیار هم رفت پیش
حزبها فقط صدای یک تیر آمد"
که کومه له سعی است بختیار بعد از تسلیم اقدام
شده است و حزب می گوید در همین تبادل آتش بین
پیشمرگان دو نیرو که منجر به تیراندازی پاسخ رژیم
نیز گشته است، این دو نفر کشته شده اند.

البته به دلیل کمبود اطلاعات لازم اقدام شدن
بختیار قطعی نیست. اما آنچه که روشن است حتی
پیشمرگان حزب نیز صافه تسلیم شدن بختیار را
انکار نمی کنند.

از طرفین به اسارت گرفته می شوند و اولین تیراندازی ها بین آنها شروع می گردد. (س) پیشمرگه حزب که زخمی هم شده بود به گفته کومه له ایبا به اسارت کومه له درمی آید و نیز شیخ علی پیشمرگه کومه له از ناحیه صورت زخمی می شود و برای پانسان به مقر برمی گردد.

در حدود ساعت ۸/۵ نیز یکی از پیشمرگان حزب بنام "ثروت" در حین رفتن از شوشی به مقر حزب کشته می شود و در ادامه درگیری نیز "وه لی" سه رله حزب که گویا مخالف درگیری بوده است در جلوی مقر کومه له کشته می شود و این اسیر آتش درگیری را هرچه شعله و رتر می سازد و نیروی ککی حزب از ده نفی (محل کیمه شهرستان حزب) می رسد و به قول خود پیشمرگان حزب با آر. پی. جی. نارنجک انداز، کالبر ۶۸ و تیربار قلمه به مقر کومه له حمله می گردد و مقر کومه له از هر طرف در محاصره گرفته می شود که در جریان درگیری دوتن از پیشمرگان کومه له به نامهای وحیم الهی و محمد باوان کشته می شوند. پیشمرگان کومه له در زیر آتش سنگین پیشمرگان حزب مجبور به عقب نشینی و تخلیه مقر می شوند که در حین عقب نشینی نیز نصرالله پیشمرگه کومه له زخمی می شود. و به همراه توفیق به گفته کومه له خود را تسلیم پیشمرگان حزب کرده و اعدام می شوند و به قول حزب در اثر مقاومت کشته می شوند. در صورت اعدام شدن این دو نفر البته فقط یک نفر که دختر یکی از پیشمرگان شهید کومه له است شهادت داده است و تمین میزان صحت و سقم آن برای ما امکان پذیر نبود چرا که حمله پیشمرگان حزب بسیار سنگین و تعداد آنها به قول (س) پیشمرگه حزب نزدیک به ۱۵۰ نفر بوده، هرگونه احتمالی در این زمینه و با توجه به کشته شدن سه رله حزب "وه لی" امکان پذیر هست.

بعد از عقب نشینی پیشمرگان کومه له دو نفر از آنها به نامهای شیخ علی و فرح در چادر درمانگاه بر جای می مانند چرا که شیخ علی زخمی بوده و توانایی رفتن نداشته و فرح نیز در حال مداوای او بوده و آنها در چادر درمانگاه باقی می مانند. بعد از پایان درگیری یعنی حدود ساعت یازده بنا به گفته (س) پیشمرگه حزب که در مقر کومه له اسیر بود چادر

دال بر مقاومت پیشمرگان کومه له اهم از پوکه و خیره وجود ندارد. رابعا از مجموع لباسهای که در دره هرات از این چهار نفر باقی مانده بود ما توانستیم یک دست لباس کامل (زیر پیراهن، پیراهن، چوخه و شلوار را که متعلق به یکی از چهار نفر بود) تکمیل نمائیم و آثار اصابت گلوله بر شلوار بر جای نبود ولی زیر پیراهن، پیراهن، و چوخه از تالمبه شانه و از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود که خود دال بر تیراندازی از پشت و از فاصله نزدیک بود. لذا در این اسیر که چهار نفر مذکور (طلعت، ریسوار، شهید و علی از پیشمرگان کومه له) قطعا اعدام شده اند هیچ تردیدی وجود ندارد.

و اما در مورد پیشمرگه کومه له به نام "دارا" که جسد او نیز در این دره پیدا شده است، تنها اطلاعاتی که وجود دارد این است که او بعد از درگیری "قه لوه" خود را به داخل شهر نرساند و مانده در اثر حمله پیشمرگان حزب به او زخمی می شود و خود را به دره هرات پائین جاده می رساند. و در حدود ظهر که چهار نفر فوق در زندان حزب بودند خبر حضور او در دره هرات شنیده شده و کسانی که او را کشته و دفن کرده اند می گویند که او علاوه بر زخم پا که آن را با جاپانه بسته بوده است زخم دیگری نداشت مگر گلوله ای که از زیر چانه شلیک شده و با شکستن فرق از سر او خارج شده بود که امکان دارد خودکشی کرده باشد. بهر صورت از نظر ما برای آنکه روشن شود او را مانند چهار نفر بقیه اعدام کرده باشند اطلاعات کافی بدست نیامده است.

(ج) در شویشمی

پیشمرگان حزب و کومه له در حدود ساعت ۷/۵ الی ۸ صبح همان روز (۲۵ آبان ماه) از درگیری در تصور آگاه می شوند و هر کدام اقداماتی را برای اطلاع از چند و بین درگیری و نیز تحرك طرف مقابل انجام می دهند و پیشمرگان خود را در تپه های اطراف سازماندهی می کنند که در این حرکت افسردی

درگیریها برخورد های خود را طوری تنظیم نمایند ، که آگاهانه از وقوع آن پیشگیری نمایند . در نتیجه آنچه که حائز اهمیت است چنین حرکتی از سوی هیچکدام از دو نیرو صورت نگرفته است . برعکس هر کدام به فراخور نیرو و توان خود بر چنین زمینه ای هر چه بیشتر افزوده و عملاً به آن دامن نیز زده اند . چنانچه حوادث روز قبل از درگیری و بعد از آخرین بگو و بگوهای لفظی پیشمرگان طرفین آشکار می سازد ، هر کدام از دو نیرو طبق معمول اعلام آماده باش کرده بودند ولی آنچه که روشن است و جریان درگیری آشکار ساخت هر دوی آنها بیکان چنین آمادگی را جدی تلقی نکرده اند .

مسئول تشکیلات ارواگان کومه له می گوید : "پیشمرگان کومه له شب (منظور شب قبل از درگیری است) که به حرکات و تجمع نیروی حزب توجه می کنند ، خود را برای حمله رژیم آماده می کنند و آمادگی فقط در مقرر بوده " (تاکید ها و پارتیزان ما) اگرچه کومه له سعی می کند "حرکات و تجمع نیروی حزب" را که باعث می گردد "پیشمرگان کومه له خود را آماده کنند و آن هم "فقط در مقرر" بدلیل احتیاط حمله رژیم اعلام نصاید ولی اگر اندکی در صحبت های دیگر مسئولین کومه له در این زمینه دقت کنیم و نیز درگیری لفظی و سنگگیری بعد از ظهر روز ۲۴ آبان بین پیشمرگان دو نیرو را در نظر گیریم ، صلاً نمی توان گفت که انگیزه این آمادگی و دریافت پیشمرگان کومه له از "حرکات و تجمع نیروی حزب" می توانست احتمال "حمله رژیم" باشد . و اگر کومه له با چنین درکی به این "تجمع نیرو" و با توجه به درگیری لفظی و سنگگیری روز قبل برخورد نموده باشد ، که چنین نیست ، باید بسیار ساده لوح باشد که از تأیید برخورد هائی از قبیل سنگگیری و غیره و تقابل آشکار بر سر صاله ای را که یکی مخالف آن و دیگری صراً خواستار انجام آن بوده ، آگاه نباشد .

در صورتی که کاک (ی) عضو کمیته ارواگان نظر دیگری دارد و صحبت های او آشکار می سازد که در چنین مواردی آنها مفهوم چنین درگیری هائی را خوب درک می کنند و دلیل اصرار بر انجام امر مورد مشاجره روز بیست و چهارم از سوی کومه له را "می -

درمانگاه کاملاً سالم بوده و کلیه ساختمانهای مقرر کومه له ملیرقم آنکه مورد اصابت آر. بی. جی قرار گرفته بود دچار حریق نشده بوده اند . و تمامی شواهد گواه آن است که پیشمرگان حزب بعد از پایان درگیری شوشی از فاصله بسیار نزدیک دونسن از پیشمرگان کومه له را که داخل چادر باقی مانده بودند (شیخ علی و فرح را) به رگبار مستقیم جسد آنها را به همراه چادر درمانگاه با استفاده از نفت چراغ موجود در چادر که بر اثر اصابت گلوله نفت آن به بیرون تشت کرده بود و با پریدن دو طناب ظرف ورودی چادر به آتش کشیده اند .

همانطور که گفته شد حتی بنابه شهادت خود پیشمرگان حزب در مکررات (مخصوصاً ص.) بمسد از پایان درگیری چادر درمانگاه و ساختمان مقرر کومه له سالم بوده و علاوه بر آن تمامی شواهد عینی نیز این مسئله را کاملاً تأیید می کند که ساختمانهای مقرر کومه له (اتاق کمیته ، اسلحه خانه ، اتاق بی سیم ، و ... که وسائل آنها قبلاً تخلیه شده است) نیز ابتدا تخلیه گردیده و سپس با نفت آتش زده شده اند .

برای درگیری ۲۴ آبانماه آمادگی قبلی وجود داشت؟

آنچه که از مجموع صحبت های طرفین می توان نتیجه گرفت و وضعیت درونی روابط دو طرف نیز بر آن صده می گذارد ، کلاً با توجه به سنگگیری های قبلی ، درگیری های لفظی در موارد مختلف آشکار می سازد که خود انعامکس برخورد های طرفین با اختلافات اساسی موجود هر دو نیرو بر سر چگونگی برخورد با حائل منطقه بوده است ، نمی توان گفت که هیچ کدام از دو نیرو از آینده این گونه برخوردها و روابط که در نهایت می توانست در غیاب هر گونه راه حل سیاسی تنها به برخورد حاد نظامی منجر گردد ، آگاهی نداشته باشند و خود را برای چنین روزی آماده ننمایند . البته آنها تصور چنین ابعادی را نمی توانستند داشته باشند ، و یا در صورت مخالفت جدی با این نوع



توجهی و مستی برخی رفقایشان در برخورد به ضاجرات لفظی طرفین می دانند. اوصی گوید:

"بر سر رفتن این خانواده ها به پایوه عصر روز ۸/۲۴ درگیری لفظی بین پیشمرگان حزب و کومه له بوده و حتی منجر به شتر گرفتن برای همدیگر شده، تشکیلات حزب با رفتن آنها مخالفت کرده و حتی (ع.ج.م) گفته اگر خطا به پایوه برسد آتشی در منطقه روشن می نمایم. رفقای ما توجهی به این حرفها نکرده اند و مستی کرده اند."

ولی به نظر می رسد می باید "حرکات و تجمع نیروی" مورد نظر می باید آنها را از این بی توجهی و "مستی" به در می آورد و اگر آنها برای مقابله با رژیم آماده می شدند، نخست می باید از امنیت منطقه مطمئن می شدند و سیر خانواده های مزبور را صبح زود از "قه لوه ز" رد می نمودند.

به هر حال آنچه که روشن است پیشمرگان کومه له در آن شب چه به دلیل درک احتمال "حمله رژیم" از "حرکات و تجمع نیروهای حزب" و چه به دلیل مقابله احتمالی با مقابل، حزب با اقدام آنها مبنی بر رد کردن خانواده های مورد نظر "خود را آماده" کرده بودند و اگرچه حتی "فقط در مقر" چنین امری صورت گرفته باشد، به هر حال در حال آماده باش بوده اند.

اما بهینیم حزب در چه وضعیتی بوده و جریسان "تحرك و تجمع نیروی" مورد نظر کومه له چه بوده است.

(پ.ل.) پیشمرگه به رگری حزب و عضو شورای شهر نوسود می گوید:

"شب قبل از درگیری ساعت ۱۰ شب بود که یک پیشمرگه حزب بنام (ب.م) به من گفت آماده باش است صبح ساعت ۳ دنبال می آیم... منم هوشیارانه خوابیدم ساعت ۳ - نیمه نیمه ولی با صدای تیراندازی از خواب پریدم، حدود ساعت ۵/۵ بود که تیراندازی شروع شد، وقتی بیرون آمدم تو کویچه (ب.م) برخورد کردم از (ب.م) پرسیدم چه خبر است. (ب.م) گفت جنگ کومه له و دمکرات است."

کات (م.ا.) پیشمرگه نیروی مقاومت حزب که هم اکنون اسلحه گذاشته است می گوید:

"ساعت ۴ شب که برای فردای آن درگیری بود از نوسود به ده ره تفی بی سیم کرده اند در بی سیم

گفته اند که آن جریان باید باشد ولی آنها در جواب به نوسود گفته اند "ولسی" مخالف است."

مسئول تشکیلات اوطان حزب نیز در مورد مخالفت ولعی میگوید:

"ولعی از کسانی بود که مخالف درگیری بوده و این امر آشکار می سازد که صاله درگیری با کومه له قبل از وقوع آن بطور جدی برای حزب مطرح بوده است و آماده باش شب قبل از درگیری نیز با توجه به برخوردهای روز بیست و چهارم آبان ماه در میدان شهر نوسود، نمی توانسته بخاطر "حطه رژیم" بوده باشد و بی سیم ها و صحبت های پراکنده پیشمرگان حزب در اینجا و آنجا و صحبت رد و بدل شده پشت بی سیم منشی بر انجام حتمی "آن کار" و "مخالفت ولعی" با آن نیز با توجه به آمادگی حزب و گستردگی اقدامات آن در درگیری با کومه له و درهم کوبیدن مقرهای آن حاکی از چیزی جز آمادگی حزب برای احتمال درگیری با کومه له در صورت پافشاری کومه له بر روی رد کردن خانواده های مورد اختلاف نمی تواند باشد.

همه شواهد مؤید این امر است که در پی درگیریهای لفظی، منگرنیدی ها نیرو جمع کردن ها و آماده باش دادن های قبلی، صاله درگیری با کومه له بطور جدی برای حزب مطرح بوده و صحبت پشت بی سیم منشی بر انجام حتمی "آن کار" و مخالفت ولعی با آن نیز نمی تواند جز عمل نمودن به این فکر و انجام "آن کار" باشد که آماده باش حزب در شب قبل همانطور که (پ.ل.) گاملا در جریان آن بوده است در این رابطه فهمید پیدا می کند. این آمادگی برای "انجام آن کار" از قبل تنها بر زمینه و بهانه برخورد مقابل کومه له توانسته است، فرصت "انجام" باید که حصول آن فاجعه اورامان است.



در خاتمه

وضعیت بعد از درگیری اخیر

بعد از انتشار اخبار درگیری در منطقه دفتر سیاسی حزب دمکرات و کمیته مرکزی کومه له هیاتی را برای اعاده وضع به حالت عادی به منطقه اعزام نمودند و این هیات دوباره تشکیلات کومه له را که در حملات حزب دمکرات و در جریان درگیری ۲۵ آبان ماه درهم شکسته شده بود، احیا نمود.

اما انتشار اخبار درگیری و پیاده های آن ابعاد



فاجعه بار آن را آشکار ساخت که خود اگرچه بیاتگر
عق تضادها و اختلافات دو نیرو در منطقه در عین حال
بیان صریح وضعیت حاکم بر منطقه و روحیات مردم آن
نیز بود. کشتاری که از دو طرف در پیش چشممان
سر دم صورت گرفته بود، نمی توانست تاثیر خود را در
جو منطقه باقی نگذارد. و هر بی اقتصادی بخش وسیعی
از اهالی دامن نرزد. تردید و تزلزل در بسیاری
را ایجاد ننماید. احساسات فلان نیروی تحت فشار
را برنیا نگیزد و هواداران نیروی دیگر را ضرور قهر
و قنوت خود سازد. و در مجموع تضعیف درونی
جنبش را حداقل در منطقه بدنبال نداشته باشد.

جریان حوادث و شیوه عملکردها در طول این
درگیری آشکار ساخت، کسانی که دم از آزادیخواهی و
رهائی مردم می زدند و آنهایی که با جماعات
پرطمطراق و پر زرق و برق انقلابی برای آنها خطابه
های آتشین ایراد می کردند چگونه خود در سیر
پرشتاب حوادث گرفتار آمده، بی آنکه متان آن را در
دست بگیرند، بر میجای خونین آن شناور گشته اند
و در تلاقی دو صیانت که اینک به زبان گلوله سخن
می گویند، ابعاد فاجعه بار چنین روشهایی را تجربه
نموده اند و طبیعی است آن نیرویی که در ادامه
جنبش روندی به هر گونه اقدامی دست می یازد و
مطابق طور که در مجموع گزارش آمده است از اعدام تا
آتش صحنی و غیره فروگذاری نمی کند برای بخش
وسعی از توده ها، بدون تردید، آینده خود را تضمین
نموده است. که تنها برخورد قاطع با اهلل و عوامل
فجایع اخیر می تواند این ذهنیت را تثبیل دهد.
بدین گونه است که در حال حاضر جو
حاکم بر منطقه

جوی تشنج
و آکنده از ترس، وحشت و هراس است. که بر ابعاد
آن، تبلیغات گسترده و جدید نیروها و سنگر بندی و
آرایش نظامی جدید آنها هرچه بیشتر افزوده است.
امروز برخوردهای متقابل نیروهای طرفین به حد
بسیار تحمل ناپذیری رسیده است. هر کدام از نیروها
در حیطه نفوذ خود مرصه را بر نیروهای طرف دیگر
تنگ کرده، بارها تهدید توهمین و تحقیر از سوی
طرفین دیده شده است و مجموعه این برخوردها
منطقه را آبدن حوادث جدیدی ساخته است که
بدون کنترل آگاهانه صلحا درگیری ای به مراتب

گسترده تر و خونین تر از قبل تکرار خواهد گشت و با
توجه به ابعاد تبلیغات تحریک آمیز طرفین در سطح
صراسری و آماده باش صراسری آنها دانشه آن فقط
صدود. به اورامان نخواهد بود. و بدون تردید
اگر امروز جنبش انقلابی خلق کرد نتواند بر این
سیر پرشتاب غلبه نماید، ادامه آن ضربات مهلکی را
بر جنبش وارد خواهد ساخت. و اگر امکان پیشگیری
و راه حلی وجود داشته باشد، می باید همین امروز و
از همین درگیری و با حل ریشه ای آنچه که امروز
در اورامان اتفاق افتاده است، عملی گردد. و راه گسترش
بی روه و خود بخودی آن را صدود سازد.

این کار قطعا از عهده دو نیروی درگیر ساخته
نیست و همانطور که بارها نیز قبلا روی آن تاکید
کرده ایم، تنها از طریق تشکیل کمیته ای از کلیه
نیروهای انقلابی مورد توافق طرفین با اختیارات
کافی برای حل قطعی مسائل و التزام هر دو نیرو به
تصمیمات آن می توان به چنین مصاصات کشوری
پایان داد. کمیته ای که اراده قاطع جنبش انقلابی
خلق کرد را ضلور ساخته و بر بنیان های اساسی
حاکم بر جنبش کنونی و ارزش های مولود صارزه
کسوتی تاکید نماید بر اساس ضافع آبی و حیاتی
جنبش نیز نقطه پایانی بر چنین شیوه برخوردانی
نهاده اصول پایدار و مورد التزام را بعنوان اساس
رابطه فیما بین نیروهای مختلف در شرایط کنونی
جنبش در عمل و در عرصه عملکرد عینی بر زمین
درگیری کنونی و حل قطعی معضلات ناشی از آن،

بی ریزی نماید. و با صیجودیت قدرتش و ضروری
خود در لحظه بحرانی کنونی بر حوادث معتمصل
آینده پیشی گیرد و اگر چنین امری در لحظه
کنونی و در شرایط بحرانی کنونی روابط دو نیرو عملی
نگردد باید قاطعانه گفت از این پس بسیار دیر
خواهد بود و صلحا در شرایط احتمالی پیشاوری
دیگر چنین کمیته ای نیز هیچ کاری از پیش نخواهد
برد. آنچه که تاکنون تشکیک آن بعنوان راه حل آینده
طرح بود، امروز دیگر بعنوان راه حل فقط لحظه
حاضر طرح است و اگر چنین کمیته ای امروز امکان
تحقق پیدا نکند و صیجودیت خود را از طریق ریشه
یابی درگیری اخیر به اثبات نرساند همانگونه که سیر
فاجعه بار حوادث درگیری اخیر که گزارش حاضر
گوشه هایی از ابعاد آن را آشکار ساخته است، نشان



روش کنونی حزب دمکرات و کومه له در درگیری اوراسان بخوبی نشانگر آن است که نه تنها به ایجاد چنین کمیسیونی کردن نخواهند داد بلکه هر کدام از این دو نیرو راه حل نهائی را در ادامه همین درگیریها و شیوه های تهرآسوز حل اختلافات جستجو می کنند.

نگاهی به سیاست و برخورد طرفین با ساله اهمیت جدی تلقی نمودن این وجه از برخورد طرفین را هرچه بیشتر روشن می سازد که نشان دهنده بی اشتدای هر کدام از آنها به کارآیی چنین کمیسیونی نیز هست.

کومه له که در درگیری اخیر بیشترین کشته و تعدادی و ضرایب را ضحیل گشته است در برنامه های رادیکالی و در انتشارات رسمی خود علنا در صورت عدم تحقق خواسته های خود را برای اقدام مستقیم و یک جنگ تمام عیار آماده می سازد. کومه له در "کاره سانی اوراگان" می گوید:

"اگر حزب دمکرات عملاً بهر تائید بر تمام عملکردهای مسئولین خود در اوراگان بگذارد و از جنایتکاران این روند دفاع کرده و مسئولیت تمام جریان را به عهده گیرد، آن وقت ما نیز این را حق می برور کرد خود می دانیم که نیرو و قدرت صلح و نیروی پیشمرگه کومه له را برای مقابله و جلوگیری از این گونه جنایت های وحشیانه برای حفظ دستاوردهای دمکراتیک انقلاب کردستان به کار گیریم و با استفاده از این حق دست هر جنایتکاری را که ضربه زدن به نیروی پیشمرگه کومه له و نیروی تشکیلات کومه له را موضع خود بداند قطع کنیم و مطمئن هستیم که هیچگاه با ضربه زدن به چنین جنایتگرانی جنبش خلق کرد تضعیف نشده و مردم ضرافتند کردستان به صاحب می دهند و از ما پشتیبانی می کنند."

این موضع کومه له است، او خواهان به سزا رساندن عاملین درگیری و عواقب آن است و این را عادلانه ترین راه برای جلوگیری از تکرار فجایعی مثل رویداد اوراسان می داند، و اتمام حجت نیز می کند که در صورت تحقق نیافتن خواست او، او خود مستقیماً به چنین کاری اقدام خواهد نمود. و در حقیقت از نظر کومه له درگیری هنوز ادامه دارد و امکان یا عدم امکان شعله ور شدن دوباره آن را در به "سزا رساندن جنایتکاران" می داند. در صفحه ۲۶

می دهد. سردا اگر چشم زیر فشار سرمختانه واقعیت ها چنین کمیسیونی امکان تشکیل نیز بیاید بسیار دیر خواهد گشت و چنین کمیسیونی مطلقاً کاری از پیش نخواهد برد.

بسیار ساده لوحانه خواهد بود هرآینه اگر تصور کنیم درگیری در اوراسان پایان یافته است، بلکه با آرایش جدیدی از نیرو در حال شک گیری مجدد است و هیچ چیزی تا به امروز از ابعاد آن نتوانسته است و نتوانسته است بر روند روبه نزاید تداوت درگیری آید. مبار بزند. هرگونه ناگامی اقدامات مشترک دو نیرو و کمیسیون مشترک مورد قبول فعلی آنها و بین دست آنها به منزله اعلام جنگ جدیدی برای پیشمرگان دو طرف نه تنها در اوراسان بلکه در سرگشته ای از کردستان خواهد بود. به بین دست رسیدن کمیسیون مشترک فعلی دو نیرو که اخیراً از منطقه دیدن نموده است و با بلا تشکیلی و بلا تشکیلی کاشی از منطقه بازگشته و تاکنون نیز هیچ نشانه ای از موفقیت در کار خود را آشکار ن ساخته است امر کاملاً روشن و قابل پیش بینی است، چرا که این کمیسیون نیز همچون کمیسیونهای پیشین بدون التزام مبین از جانب طرفین و به شیوه کدخدایانه کار خود را شروع کرده است و التزام سرنوشت دیگری (بیژه با سه کار و حدود اختیارات و عملکرد کنونی خود) جز سرنوشت اصلی خود نداشته و نمی تواند داشته بنماید.

البته باید در این جا این نکته را باز هم خاطرنشان کنیم که عمل بین دست چنین کمیسیون هایی را نباید در چگونگی ترکیب و نیروهای متشکله در آنها بلکه در اساس ترین صائد مربوط به نحوه کار و ضوابط حاکم بر این کمیسیونها جستجو کرد. ریشه اصلی این ضعف در عدم التزام اجرایی و عملی طرفین به چنین کمیسیونهای و عدم پای بندی با هم هر دو نیرو به ضوابط حاکم بر کار چنین کمیسیونهای نهفته است که می باید با اقدام قاطع، بی گیر و انقلابی خود وجه التزام محدود کردن درگیریهای مسلحانه بین این دو نیرو گشته و بمنزله قدرتی در مقابل اراده طرفین درگیری عمل نماید. طبیعی است که چنین کمیسیونهای به جای آن که در قبال این یا آن نیروی طرف درگیر کنونی مسئول باشد در مقابل جنبش انقلابی خلق کرد، مسئولیت پیدا خواهد کرد. و ادامه

۲۷ ریه فدان

با فرا رسیدن بهمن، می و نه سال از اعلام جمهوری خودمختار کردستان می گذرد. این جمهوری که در سال ۱۳۲۴ به رهبری قاضی محمد اشعید بزرگ خلق گرد تشکیل گردید، از همان اولین لحظات حیات انقلابش مورد خشم و غضب مرتجعین حاکم قرار گرفت. دولت خودمختار خود را در شهرهای شمالی کردستان مستقر نمود و برای مقابله با تهاجمات قوای دولتی در جنوب کردستان، درگیر جنگ نشد. در تجمیع حاکم علی الظاهر در مقابل آزاده مقاومت نود و نه به عقب نشینید و یک سلسله از حوشتیای خلیق کرد را به رسمیت شناختند. آنچه که واقعیت نشان داد، عقب نشینی دولت موقت و گذرا بود و آنگاه با تجدید قوای خود در انتظار فرصتی مناسب بودند تا مجدداً یا یورش ببرند جمهوری خودمختار آن را از میان بردارند.

یکسال پس از تشکیل جمهوری خودمختار، یعنی در آذرماه ۱۳۲۵ نیروهای دولتی به پیمان تأمین امنیت برای انتخابات به سمت شهر مهاباد، مرکز جمهوری، سرازیر شدند. در آن هنگام خلق کرد به دلایلی و از جمله نحوه شکل اداره حکومت، فاقد آمادگی کافی در مقابله با یورش رژیم بود، بدین لحاظ مقابل با نیروهای دولتی بهر تگردید و با استقرار ارتش بهر اداسه زندگانی انقلابی جمهوری خردمختار کردستان پایان داده شد.

یکی از مضرترین صائلی که قبل از آغاز یورش نیروهای دولتی، در بین رهبران خلق کرد وجود داشت، با توجه به عدم آمادگی و توانایی کافی برای حفظ جمهوری، عقب رفتن یا ماندن، یعنی دفاع از حقوق حیثیت و شرف خلق کرد و یا راه دوم عقب نشینی و رها کردن سرزمین و سرنگردن و ضایع صلح بود. قاضی محمد پیشوای وقت خلق کرد و رئیس حکومت خودمختار ماندن را برگزید. ماندن و دفاع از حقوق خلق کرد، دفاع از مردمی که رژیم پهلوی در مورد انتقام گیری از آنها بود. قاضی محمد ماند و عملاً سنت خطمی را از

خود سر جای گذارد. رهبران وقت جمهوری خودمختار با تبلیغ اهداف و حقانیت حرکت تاریخی خود و تسلیم شدن در مقابل رژیم پهلوی و دفاع از جمهوری خودمختار، خاصه ای جاودانه از خود در ذهن توده های زحمتکش خلق کرد باقی گذاشتند و به خون خود، صحت راه و تداوم مبارزه خلق کرد را تضمین کردند.

جنبش انقلابی خلق کرد در آن سالها، بر زمینه عینی اجتماعی - اقتصادی شکست گرفته بود و از همین رو نیز بود که طی سالهای بعد از سرنگونی حکومت خودمختار، با وفاداری به آرمانهای نخستین جمهوری خودمختار، با افت و خیزهای بسیار تداوم یافت و از مراحل و تند - بیجهای تاریخی و صریح گذشت و با وجود سرکوب های خشن حکومت پهلوی، بلا انقطاع در این سالها نقشه از کردستان، ضلع های جنبش صلحانه زیاده کشید و موجودیت نظام - آگ و متکسرا نشان رفت که جنبش صلحانه به رهبری امینعلی شریف زاده و معینی و ملا آواره در سالهای ۴۶ - ۴۷ مستقرین آنها بود.

اما مهمترین مقطع در تاریخ جنبش انقلابی خلق کرد و نقطه تحول و عکوفانی آن بهمد از جریان قیام پرشکو ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم شاه بزرگ خلق کرد، پس از گذشت سالها تحمل یوغ و ستم شاهی، با برداشتن گامهای بزرگ به یکی از مهمترین جنبه های توده ای صدد گشت و با پائشاری بر آرمانهای خود جنبی بر رفع ستم و نابرابری موجود میان طبقات و کسب حقوق دساترانه بر زمینه حق تعیین آزادانه تکامل احتمالی طت کرد را در سطح پراسری طرح ساخته، به دفاع از آن برخاست و تاکنون نیز در مقابل سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی و بایداری نموده است.

جنبش انقلابی خلق کرد، طی گذشت ۲۹ سال از شکل گیری نخستین نقطه های خود و اعلام جمهوری خودمختار، تا هم اینکه که در حساسترین دوران خود قرار دارد، با تداوم راه پرشکو خود و الهام از سنت های فرور آفرین رهبران نخستین جمهوری خود - مختار، با استفاده از تجربیات آنها و طرح ضمه ها، هرگز از اهداف انقلابی خود دست برنداشته

و بر احقاقی حقوق حقه خود که ضمن اعلای مبارزه خلق کرد در راه کسب حق تعیین سرنوشت را تشکیل می دهد، همیشه پای فشرده است.

فرزندان انقلابی خلق کرد امروز در پیاداری و ایستادگی را از رهبران اولین حکومت خود - مختار می آموزند. رهبرانی که با تعهد و مسئولیتی انقلابی تا آخرین لحظات حیات خویش در میان خلق خود باقی ماندند و در برابر حکومتان با تنگ و زلت و خیاری سر تسلیم فرود نیاوردند، بلکه سرافراز و ضرور چوبه های دار را برگزیدند.

امروز همه کسانی که صلب به دست گرفته به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی برخاسته اند، باید از این خصوصیت و صریحی رهبران اولین حکومت خود مختار بیاموزند و با درت شرایط سرنوشت ساز کنونی و شناخت نقاط قوت مبارزه خلق کرد در شرایط امروزی، برای حفظ دستاوردهای ارزشمند و پیشرفت و تعمیق هرچه بیشتر آن بکوشند.

با گرامی داشت می و نهمین سالگرد اولین جمهوری خود - مختار کردستان، یکبار دیگر بر ستمها و آرمان انقلابی آن های فشرده، بگوئیم راهی را که رهبران جنبش خلق کرد با فرمانی و از خود گذشتگی برگزیدند و خون خود را وشقه تحکیم و تداوم آن نمودند تا به آخر ادامه داده و چون انسان به آرمان انقلابی توده ها پست نکرده و تا به آخر به خلقمان وفادار بمانیم. و با تاکید بر ضمن انقلابی - دساترانه جنبش کنونی خلق کرد، بر چادر رهانی کامل از قید ستم طلی و استقرار جامعه مبتنی بر حاکمیت انقلابی و دساترانه توده ها، و سازمان دهندگان چنین قدرتی از طریق ایجاد و تثبیت ارگانهای اداره توده ای از طریق درهم شکستن پایه های قدرت نظم کسوتی با شیم و جامعه آینده را بر سرانه های ضمیمه کنونی بنا کنیم. و همیشه و همواره یاد طلایه داران مبارزه کنونی را در عرصه عمل و با وفاداری به آرمان توده ها زنده نگاه داریم.

از صفحه ۱

اصل انید حزبیت را برای طبقه کارگر ایران بپوشانید از هر زمان دیگری اجتناب ناپذیر ساخته است. شرایط اتحاد پرولتاریا امروز از هر نظر فراهم شده است. مبارزه طبقاتی آج و گسترش یافته، سرزمینهای طبقات به شکل تفکیک پذیری کاملاً مشخص گردیده و جنبش طبقه کارگر توانمندتر از همیشه پیشاپیش مبارزه توده ها به صحنه نبرد گام نهاده است. درست در چنین شرایطی است که انواع و اقسام گرایشهای بورژوازی که استقلال سیاسی پرولتاریا را مقایسه با ضایع خود می بینند، از هر سو تلاش دارند این استقلال سیاسی - طبقاتی را خدشه دار ساخته و پراکندگی را در آن دامن بزنند. همه گرایشهای بورژوازی بدعت پرولتاریا را هدف گرفته اند و سعی دارند از اتحاد این صانعت به عمل آورند. سرزندی های طبقاتی را در هم بریزند، دوستان و دشمنان طبقه کارگر را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی وارونه جلوه دهند و بالاخره طبقه کارگر را از دست یابی به حزب سیاسی خود محروم سازند.

مخبرین خیاری که امروز جنبش طبقه کارگر ایران را از درون تهدید می کنند، اشاعه محفلیسم و گرایشهای ضد حزبی است. همه گرایشهای بورژوازی و خرده بورژوازی که هر کدام زیر نام و نشان گوناگون و در ظاهر مارکسیسم خود را مخفی داشته اند، به نوعی دست اندرکار رواج محفلیسم و به قهرا کشیدن جنبش پرولتاریائی ایران هستند. آنها همگی تلاش خود را صرف آن داشته اند که این جنبش را پاره پاره، گسیخته، غیر منجمد و در حال نزار نشان دهند. در این بین عمده حملات ضربه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، این یگانه مدافع پرولتاریا و عمده ترین عامل تشکّل و اتحاد طبقه کارگر ایران است.

از عناصر رسوا و جیره خواران علنی "شورای ملی مقاومت" گرفته تا چپ نماترین محافظ و دار و دسته های پنهان بورژوازی

و خرده بورژوازی که خود را به رنگ و لعاب مارکسیسم آراستاده، در این باره هدف مشترکی دارند و هماهنگ نیز عمل می کنند. آنها مذبحخانه و بادیت تمام زرادخانه خود را بسوی پرولتاریای ایران نشانه

❖ بسی تشکیل حزب طبقه کارگر علیه بسی - بورژوازی

آبنام حزب علیه حزبیت

رفته اند، تا در چنین شرایطی که طبقه کارگر ایران بنیای حزب سیاسی خود را می ریزد، سرزهای هیئت پرولتاریا را درهم بریزند و آن را مشتت، پراکنده، مجزا و ضعیف جلوه دهند

البته جریانهای ضد حزبی شیوه های یکسانی ندارند. بعضی ها با اشتیاق تمام ریختن برای "تشت" و "پراکندگی" جنبش طبقه کارگر، در حقیقت می خواهند همان "تشت" و "پراکندگی" را به طبقه کارگر القا کنند، پاره ای دیگر برای آن که ضربه بیشتری بزنند، با ظاهر فیلسوفانه این شرایط را "تئوریزه" می کنند و به مثابه دوران پراکندگی تاریخی این جنبش به سرنوشت محسوم آن ضربه می کنند. در این میان کومه له هراسناک تر از همه با حربه حزب سازی به جنگ حزب آمده است. این عقب مانده ترین جریان خرده بورژوازی که تشکّل پرولتاریا را سخت مغل آماهی خود می بیند، ناچارانه تر از دیگران، دست به کار شیوه کهنه ای شده است. کومه له تمامی مفاهیم و معیارهای مارکسیستی را در دستگاه تحلیلی خود زیر و رو کرده، با تحایلات عقب مانده دهقانی در هم آمیخته و تحت پوشش مارکسیسم و به اسم حزب کمونیست تحویل بازار می دهد.

اشتیاق قشرهای رشد ناپافته اجتماعی، تمایلات غیرتشکّل دهقانی و پندار بانی های بی نیوغ در تمامی زمینه ها و کلیه نقطه نظرات

عرض اندام می کنند. کومه له سرشت دهقانی خود را فقط در تجسم تلاش قطب های محافظه کار اجتماعی نشان نمی دهد. او اشتیاق به دسته بندیهای مکارستانی را نه تنها در رویکر برنامه ای و اهداف تاکتیکی، بلکه و بخصوص در دشمنی با گرایشهای تشکّل پذیر پرولتاریا و در ضدیت با اتحاد مشترک آنان و خصومت با اصل حزبیت پرولتاری نیز در تمامی تاریخ و بود فعالیت سیاسی خود آشکار می سازد. و این همه حزب او را از خصوصیات مهمی در تمامی زمینه ها برخوردار می سازد که انعکاس آن قبل از همه در مختصات مربوط به چنین احزابی نمایان می گردد. این حزب پیش از آنکه حزب دوران ما باشد حزب اقدامات تاریخی طبقه کارگر و پورش های آن به سرمایه جهانی باشد حزب دورانهای صبری شده نخستین جوانه های پیدایش "کمونیسم" حسی نه در ضمن، بلکه فقط در شکل و شیوه برخورد با مسائل مبارزه طبقاتی در شرایط کنونی است. حزبی با مختصات انحرافی خاص خود که پراتیسم محدود و حمله پرانزهای انتزاعی و اشفاف قدرالیم خرده بورژوازی و غیره از جمله بارترین آنهاست و حزب کومه له در حقیقت حزب چنین انحرافات است، نه حزب کمونیست.

الف) کمونیسم انتزاعی

پراتیسم نامپرنالیتیسی

حزب کمونیست کومه له آنجا که به حقوق و اختیارات ویژه تنها سازمان طبقه ای خود (کومه له) برخورد می کند، بسیار صریح، روشن و خالص سخن می گوید و خود کومه له آنجا که به اهداف نامپرنالیتیسی خود در برنامه و سازماندهی می پردازد و به دفاع از خط و منی نامپرنالیتیسی خود برمی خیزد، از صراحت کم و بیش روشنی برخوردار است. همانطور که حزب او در نهاد نظم موجود در برنامه خود و در تعریف دولت جایگزین بعنوان یک دولت بی چهره و فراطبقاتی صراحت کلام محسوس دارد. ولی کومه له و حزب کمونیست او هنگامی که

۲. بنام حزب

از زندگی جاری در دوران حاضر
استوار نسوده اند. تشویرمین های
پسورژوی کوه را محسوب درک
کرده اند در شرایطی که هیچ دیروز
امروز به واقعیت نمی رسد
گفته است برای نفی واقعیت
امروز هیچ را نمی آید از
چشمپند به هیچ دیروز نیست.
گفته اند و حزب او هیچ را برای
مقابل با جریان واقعی مبارزه.
طبقه کارگر پرورنده اند، تا
تسایلات انصار گفتمند فسد -
تصویریتی خود را در زیر سایه
و صم نیز این هیچ بنیان
ساخته و بدین وسیله از طریق
نفی حرکت متحرک تاریخی طبقه
کارگر در دوران معاصر، جانی و
حتمی برای ارضای تمایلات
طبقه خود به نام طبقه کارگر
پیدا کنند و بنام طبقه کارگر به
تخطئه اهداف و دستاوردهای
آن بپردازند.

حزب کوه له و شرکاء او پیش
از آن که حسی تاریک توری از حزب
دوران حاضر که هیچ عین حزب
مانیفست کمونیست باشد، حزب
هرام از هرگونه تشکیلات حزبی و طبقه
حزبی و حزب بی حزبی است و در
یک کلام حزب گذشته نه در ضمن
بلکه در شک محصور آن، در
شرایط امروز و در مقابله با
ضمن حزب امروز است.
حقیقت این است که اگر
حزب دوران مانیفست حزب تدوین
تئوری کمونیسم و اضافه آن در
سرچشمه خاصی از رشد جامعه
سرمایه داری و حزب اثبات حقایق
پرولتاریا در قیاس تاریخی -
جهانی از طریق نفی بنیان
- های تفکر حاکم بر جامعه
دوران خود بود، حزب امروز
می باید حزب رهبری کند -
تحولات مورد نظر آن سالها در
کوران سخت مبارزه طبقه جاری
باشد. فاصله دوران کیونی و
دوران مانیفست و ماضی آن همه
آن چیزی است که ماهیت تلاش -
های حزب کوه له را بر ملا
می سازد. فاصله ای که هیچ حزب
واقعی و نه کاریک توری نمی تواند
چشم خود را بر آن بیندازد.
فاصله ای که طی آن جنبش
تارگری و کمونیست جهانی هزاران
تخریب تیبار و قدرت ملی را

از "کمونیسم" و "اهدای کمونیستی"
صحن می گویند، نقد -
تخریبات انقلابی را - اهل عام
انگفا می نمایند و رأیت بین
سیاست ها و براتیک خود با این
تئوری ها را نه تنها روشن
نمی سازند، بلکه در عمل به نفی
آنها نیز می پردازند.

برامتی چرا برای کوه له
حزب او کمونیسم هنوز یک ایده
محور و غیر محلی محسوب
می گردد؟ چرا از نظر کوه له و
حزب او کمونیسم هنوز از عالم
مجردات ذهنی پای به دنیای
واقعیت نگذاشته است؟ و شکست
- تر آنچه که این ایده محور
در تئوری های کوه له و حزب
او در طول نزدیک به یکصد و پنجاه
سال اخیر، نقش پانسی و فسطی
بودن خود را آشکار ساخته است؟
در مبارزه طبقه کارگر در طول
این یک قرن و نیم اخیر هیچ گونه
بازتاب قابل ذکر و ارزشمندی
نیافته و به مادیت تبدیل نگشته
است و اینکه تنها در یکصد و
نویسده حزب کوه له برای
اولین بار چشم بر جهان
واقعیت گشوده است؟ و چرا
حزب کوه له تنها بر سه خمران
تاریخی طبقه کارگر تکیه زده
است و مداخل بازگشت ناگزیر در
تسای زمینه ها گردیده است؟
چرا حزب کوه له هنوز در دوران
پیدایش نخستین جبهه های
سویالیسم صر می کند و از نقطه
نظر تشویرمین های این حزب
جنبش کمونیستی و کارگری بدین
ریشه و پیشینه معرفی می گردد؟

حقیقت این است که کمونیسم
کوه له نیز همچون خود او در
عالم تفکرات قبل از مانیفست
کمونیست میر می کند.
سویالیسم کوه له، چه سره
اشنای انیمیت های خرد پیروای
دوران اول سرطیه داری را بیشتر
تدلی می کند تا مانیفست
کمونیست و اداسه بلا انقلاب
حرکت پرتحرک و پهنده طبقه
کارگر از مانیفست کمونیست تاکنون
را. و اگر کوه له و حزب او
بنگیز در حرف و اداسه
دوران مانیفست بازگشت می کنند
و به ترسیم هیچ کمونیسم
در دوران حاضر میسازد
می ورزند، این امر دقیقاً ریشه
در واقعیت های تاریخی تفکرات
امروز با دوران صری شده دارد.
کوه له و حزب او هیچ دیروز
را برای نفی واقعیت امروز و
رج دوران مرده را برای کوه

در پیروش خود به نظام سرمایه
داری پشت در گذارده و به
پسورژی های تاریخی عظیمی تامل
گردیده است. حزبی که این
همه را نادیده بیانکار نمیشاند
حتی یک نام فسطی نیز در جهت
هدایت مبارزه طبقه کارگر
حاضر ندارد.

اگر در دوران اول سرطیه
- داری طرح برنامه ای کلی
در جهت ارائه آرمایه های تاریخی
پرولتاریا برای کام گذارین دوره
تبدیل هیچ به حضور کمونیسم
که با رتاب حضور همه جانبه طبقه
کارگر در جامعه و تفکر حرکت
اجتماعی آن، بمنزله یک ضرورت
صرم بود ضرورتی که از شرایط
حاکم بر طبقه کارگر و سطح
رشد و آگاهی و تشکیلات آن
می گشت، در دوران ما یعنی عصر
سویالیسم و انقلابات پرولتاری

و دوران اضحلال و تندیدگی
سرمایه جهانی و گذار به
سویالیسم، نه تنها جنبش کمونیستی
عصره های بسیار گسترده ای را در
ارائه جزئی ترین مسائل مربوط
به سرنگونی نظم سرمایه داری
بازگشوده است، بلکه پاسخ
به نیازهای قبیح و شکنجایی
مبارزه طبقه کارگر و الزامات عینی
آن نیز چنین برخورد های همه
- جانبه و فسطی را به اسر
عاجل حزب کمونیست تبدیل
ساخته است. به عبارت دیگر زمانی
که هنوز کمونیسم در حد هیچ
طرح بود و مانیفست کمونیست
برنامه تعیین اجتماعی بخشیدن
به این هیچ و افشاکر ماهیت
صعبان رنکارک سویالیسم در
اشکال مختلف بود، مبارزه
طبقه جاری در جامعه آن روز
نیز از رشد و شکوفایی محدودی
برخوردار بود و این محدودیت
ریشه در حرکت تاریخی طبقه
کارگر داشت و هنوز آرایش
طبقه جامعه در کشاکش
انقلابات و در تقابل های
خونین در قیاس جهانی شکل
گاملاً تضایی به خود نرفته
بود. سرود ای که با اولین
انقلابات بعد از مانیفست یعنی
انقلابات ۱۸۴۸ و در تداوم
رژیم خونین پاریس در کمون
پاریس پای به عصره های کیفی
نویسی گذاشت و با انتقال به
قرن حاضر و انقلاب روسیه
گام های فسطی را به پیش
برداشت و در نهایت با استقرار
نخستین دیکتاتوری پرولتاریائی
و نظم سویالیستی در جهان

آب نام حزب

تحول بنیادین شدنی را در تاریخ
بشریت به مقصد کشور رسانیده
در چرخش تاریخی مبنی را بوجود
آورد و ...

تنها در جریان انقلابات
۱۸۴۸ بزرگ از نقطه نظر
پیشرفت مبارزه طبقاتی و تفکیک
طبقاتی روشنی در جامعه
سرمایه داری و در جریان تبادل
خویش قدرت حاکم و طبقه ای
که با حرکت خود این قدرت را
مورد هجوم قرار داده بود
به وجود آمد و صانه کسب قدرت
از تئوری به واقعیت عملی حرکت
طبقه کارگر پای گذاشت تفکیکی
که قبل از آن میسر نبود
و حزب مانیفست کمونیست تنها
با ارزیابی تحریکات پرولتاریا
در این انقلابات و هدایت آنها
بود که گام هاشی به مراتب
بزرگ تر و فراتر از نقطه عزیمت
خود را در عرصه هدایت مبارزه
سیاسی طبقه کارگر به پیش
برداشت. به همین لحاظ نیز
حزب دوران اول عیناً "طهم از
مخمس" های مبارز مبارزه
طبقاتی پرولتاریا و مرحله خاصی
از رشد آن در شرایط خود بود
همانطور که حزب امروز بعنوان
گردان پیششار طبقه می باید
از مشخصه های کنونی مبارزه
پرولتاریا در عرصه های مختلف
آن، برنامه و سیاست و حرکت
خود را استنتاج نماید. حزب
امروز صلاً نمی تواند در
آرمانهای دوران اول درجا
زند بلکه می باید در پیشاپیش
تاریخ و در عرصه های مختلف
مبارزه در جایگاه تحقق بخشیدن
به آرمانهای کمونیستی باشد.
و اگر مشخصه حزب دوران اول
را انبساط حقانیت تاریخی - جهانی
طبقه کارگر از یک سوی و
تأثیر در جهت ایجاد سازمانی
برای هدایت مبارزه طبقه کارگر
در تمامی عرصه ها از سوی دیگر
تفکک سیاسی داد و ضمن فعالیت
چنین حزبی در شرایط خاص
خود قبل از همه یک ضمن
پیششار تاریخی بود، وجه مشخصه
حزب دوران ما را حرکت عملی و
مشخص در جهت مادیت بخشیدن
به این نقش تاریخی - جهانی در
تمامی ابعاد آن از طریق هدایت

مبارزه طبقه کارگر در شرایط
محدود کنونی تاریخ مشیت تشکیل
می دهند و ضمن فعالیت آن نیز
انبساط حقانیت طبقه
کارگر بلکه تحقق بخشیدن بدین
حقانیت تاریخی در همه مشتمل
آن است. حزب دوران ما
نمی تواند یا تکرار کلیات حزب
دوران اول در مبارزه
مبارزه طبقاتی و غیره طبقه
کارگر را رهبری کند، بدین آن که
این کلیات را در جزئی ترین امور
جاری مربوط به پیشبرد مبارزه
طبقه کارگر به کار بندد. حزب
دوران ما با تکیه بر کسب ماضیم
بجز پیش از آن که اقتضای
این ماضیم را اثبات نماید،
بسی اقتضای خود را به
تصایر می گذارد.

حزب کومه له آنچه در تمامی
عرصه ها هیچگاه از مشخصه های
حزب دوران ما را از دست
مخمس های حزب دوران اول یعنی
حزب مانیفست کمونیست نیز عاری است.
این حزب در حقیقت حزب
رجعت به دوران کهن نه - حزب
در ضمن، بلکه "ماضی" در شکل
و در ظاهر آن است. چرا
که وفاداری به ضمن حزب
دوران مانیفست در ضمن
کمونیستی فعالیت امروز ضمنی
می گردد و نه در بازگشت تاریخی
و ریشه ریزایی به آن. این
گونه بازگشت به عقب در حقیقت
تسریز از واقعیت عظمی و طاقت یک
حزب واقعی و نهایتاً در جهت
تخلیه این طاقت است. بازگشتی
که نه الزامات حرکت تئوریک عملی
چیزتر کنونی، بلکه گریز از آنرا
در بدترین شکل خود آشکار
می سازد. این بازگشت به گذشته
فاند ضمن "ماضی" به فراموش
گذشته و در جهت احیای ماضی
تئوریک و مابک کار آنها، در عصر
خیزشها و انقلابات پرولتاری
است و بیشتر از همه بیانگر
ضعف تاریخی احیای تمایلات
انیمینی و مجبور خرد بورژوازی
میراث از روند انقلابی مبارزه
طبقاتی جاری است تا اقدامات
تاریخی طبقه کارگر در تمامی
بجوه مبارزه خود.

حزب کومه له در حقیقت در
این رجعت "ماضی" خود
تمایلات ضمنی در شرایط جدید
را که جریان مبارزه طبقاتی در
آن خرد و پیوسته در سطح
چنین گرایش را در اشکال
مشخص آن به طور صریح است،
نمایندگی می کند. حزب کومه له
حزب تلاش همه جانبه در جهت
احیای این تمایلات به شکل و
شیوه و توجهات تئوریک جدید
و مشتمل به خود است. بیجوده
نیست که حزب کومه له حزب
تفکرات انتزاعی و پرچمدار
تفکر محضی در صفتیت و
شرایطی از مبارزه طبقه کارگر
ایران است که مسائل مشخصی از
تبدیل هدایت مبارزه طبقاتی و
رهبری پیروانند پرولتاریا در جهت
کسب قدرت سیاسی در جبهه
اماسی و شهر آن طرح است.

حزب کومه له حزب احتضار
محلیم و آخرین دست و پا زدن
های چنین تفکری در تمامی
بجوه آن است. حزب هرگز از
انقلاب پرولتاری در قالب جملات
پرطمطراق و انتباهی سرطولی و
تضیی "انقلابی" است.

ماهیت واقعی حزب کومه له و
انماهای کمونیستی آن زمانه
عریان و آشکار سرگرد که این
"حزب" تک پاخته برای خود را
بر زمین سخت مبارزه طبقاتی
گذاشته و تمایلات ضمنی طبقاتی
خود را در سیاست ها و اهداف
و عملکرد برنامه ای خود روشن
می نماید. و در برنامه خود از
سرمایه داری بطور کلی سخن
می گوید و در مرحله کنونی امر
صادر سرمایه های امپریالیستی
و سرمایه های ضلعی به وامستان
و دلالان آن را به فراوانی
می سیار و گسترش کارگری و
شوراهای کارگران و دهقانان را
از ضمن تهی می سازد و ...
از نفس انتزاعی و انیمینی
آغاز نموده در تمامی ماضیم
خالص و عیان کومه له درجا
می زند و استراتژی خسار،



ما در این زمینه قبلاً بطور مشتمل با برنامه این به اصطلاح
حزب کمونیست و قبل از تشکیل آن برخورد کرده ایم و تمایلات
بورژوازی طبقه در برنامه این "حزب" را روشن ساخته ایم.
مراجعه شود به کاربائوری از برنامه حزب کمونیست در کتاب
"سوسیالیسم دهقانی در پیش مارکسیسم انقلابی" طاقه
اول از انتشارات شاخه کردستان.

۲- پیام حزب

پیروزی خاص، حقیقت و اختیارات ویژه آن را تشریح می‌کند و در پشت منتهی اوهم محسوس و انتزاعی تحت عنوان "کمیونیستی" و غیره سنگرمی‌گیرد که در حقیقت این تشکلات انتزاعی برای کومه‌له و حزب او حیلای ضرور برای حرکت عملی گرایش درونی است. درست به همین دلیل نیز گذشته و موجودیت جنبش کمیونیستی تا آنجا به کار کومه‌له و شرکا می‌آید که حله‌ای بر قبای آنجا شده و گرهی از مشکلات آنها باز نشاید و برای تمایلات درونی کومه‌له و شرکا، نتیجه تشریک برآمده.

طبیعی است که در غرضه داخلی نیز حزب کمیونیست کومه‌له می‌باید خود را زائیده محفل بازی‌های همین چند سال اخیر معرفی نماید و علناً به فقدان هرگونه ریشه‌ای در جنبش کمیونیستی و کارگری در غرضه ملی اعتراض کند و "مارکسیسم انقلابی" خود را محصول بی‌بدیل محفل بازی‌های همین چند سال اخیر بداند.

جایگاه طبقاتی حزب کمیونیست کومه‌له زمانی بهتر روشن می‌گردد که این حزب عریضه بیشتر گام در غرضه برخورد به مسائل شخص می‌گذارد و در غرضه تشکلات درونی و وظائف مربوط به سازماندهی توده‌ها بین کمیونیم مجرد و عملکرد ناسیونالیستی کفه سنگین را به دومی داده و گرایش درونی خود را آشکار می‌سازد.

ب) قدرالیم خنده بورژوازی به خیمه طبقاتی حزب کومه‌له

حزب کمیونیست تجسم وحدت و اتحاد پیرواناریاست. به این مفهوم که بنا به گرایش طبقاتی و تاریخی و عینیت مادی طبقه کارگر آزاد یک حزب متحد و متبسی بر بالاترین حد تمرکز سازمانی است. چنین تمرکزی بازتاب عینی و مولود حیات

اجتماعی طبقه کارگر و محصول ناگزیر نقش تاریخی او در پیشر اجتماعی و رسالت او در تغییر بنیان‌های جامعه طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای عاری از هرگونه نابرابری اجتماعی و کمونیستی است.

در جامعه سرمایه داری و در روند رشد نیروهای مولده بنابر ویرام ضرورت و خارج از اراده این یا آن طبقه تولید اجتماعی به سمت اجتماعی شدن سوق یافته و بیشترین حد تمرکز را در میان بخش وسیعی از جامعه یعنی پروتشرهایی که فاقد هرگونه تملک خصوصی جز نیروی کار خود هستند می‌یابیم. بدین وسیله از یک سو با صلب مالکیت از بخش وسیعی از توده ثروت‌های اجتماعی را طاقی نموده و پیشرفته ترین تشکلات و دستاوردهای ششم بشری را درجه‌بست احتمالی آن به کار می‌گیرد و برعکس گرایش اجتماعی این تمرکز، تملک خصوصی اقلیتی از جامعه یعنی طبقه سرمایه دار را بر آن حاکم می‌گرداند و از سوی دیگر اکثریت صلب مالکیت شدگان را در جهت به کار بردن درآوردن چرخ تولید اجتماعی در محتمل‌های گسترده و به مرکز تمرکز ساخته و با استثمار نیروی کار آنها، حاصل دسترنج این اکثریت را به نفع اقلیت سرمایه دار و به جیب آنها سرانبر می‌کند. و از همین حاصل استثمار نیز ارگانهای ویژه (دستگاه بوروکراتیک و نظامی سرمایه داری) توسط این اقلیت برای حکومت بر همین آفریتندگان ارزش‌های جامعه ایجاد می‌گردد.

آنچه که اهمیت اساسی دارد، در این تمرکز اکثریت صلب مالکیت شدگان که تحت نظم معینی درآمده و این تمرکز دائمی و روزافزون آنها در تولید اجتماعی کیفیت نهی را در روند حرکت اجتماعی آنها به وجود می‌آورد که از حد یک کارخانه یا مجتمع تولیدی فراتر رفته در مقیاس ملی و بین‌المللی طبقه پیشتاز جامعه را از یک سری مختصات ویژه معینی برخوردار می‌سازد که اصلی‌ترین آنها گرایش عینی و عینی به تمرکز نیرو و تولید علقه‌های مشترک و اهداف مشترک

در درون طبقه‌ای است که از یک سوی از هرگونه تعلقی که او را به جامعه کهن وابسته سازد آزاد و رهاست و از سوی دیگر از عینیت و صورتت مشترکی نه تنها در تمامی مجتمع‌های تولیدی و در قیام یک کشور معین بلکه در سراسر جهان برخوردار است. درست همین خود ویژگی طبقه کارگر در تولید اجتماعی و ضرورت اتحاد طبقاتی او برای تغییر بنیان حاکم بر شرایط زندگی خود نیز هست که میل به تمرکز درونی و همبستگی عینی درونی آن را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز توضیح می‌دهد. این خصیصه زمانی که در عصر خود آگاه طبقه کارگر و مبارز رزوده آن یعنی حزب کمیونیست به صادیت مبدل می‌گردد خود را در تمرکز درونی و استحکام و رهبری متحد و متمرکز آن از یک سوی و پایداری و استواری بر اصل انترناسیونالیسم پروتتری از سوی دیگر آشکار می‌سازد.

ببینیم حزب کمیونیست کومه‌له در این زمینه چه گرایشی را نمایندگی می‌کند، گرایش اساسی حرکت تاریخی-طبقاتی و مبارزاتی طبقه کارگر یا ضد آنرا؟

حزب کمیونیست کومه‌له و خود کومه‌له در جنبش ایران متکرر بدعت‌های جدیدی شمتند که ما بطور شخص در برخورد به امر پیوند با جنبش طبقه کارگر و اهمیت حیاتی آن برای یک حزب به مثابه رهبر این طبقه و سربرآوردن چنین جنبشی از گوران مبارزه طبقاتی و آمیزش سوسیالیسم علمی با این مبارزه و آموزش و ارتقاء در جریان همین مبارزه بکرات قبلاً سخن گفته ایم و آشکار ساخته ایم که حزب کومه‌له و سمند فاقد چنین خصلتی و اساساً چه از لحاظ عملی وجه از لحاظ نظری در نقطه مقابل چنین پیشی قرار دارند. این امری است که تشریصین‌های کمیونیم کومه‌له آن را حتی تشریص هم نموده‌اند.

برای حزب کومه‌له که برخلاف یک حزب کمیونیست واقعی فاقد هرگونه نه تنها پیشینه مبارزاتی در غرضه‌های مختلف آن، حتی پیشینه تاریخی است و خصیصه

۲۔ بنام حزب

بدرواها، حزب طبعه، کاوثر یعنی
حزب شویست، حزب تصدیک، حزب
دمکراتیک، حزب آزاد، پروتستاریا،
حزب آگهی و اتحاد توده های
طبعه، کاسر و حزب تکلیف
بیستار است.

حزب طبقاتی کارگر حقانیت
برنامه خود را نه تنها از حقانیت
تاریخی و طبقاتی بلکه کارگر
بلکه از شخص ترین وجه
روند مبارزه طبقاتی استنتاج
می کند. اما حزب خرد بورژوازی
به تبع موجودیت اجتماعی
مادی خویش نه تنها قادر به
مستسا و ضمن مبارزه طبقاتی
و ایجاد و آینده آن نیست
بلکه برنامه و اهداف خود را
از طرزات آنس ستافع خرد
نتیجه می گیرد. به همین دلیل
همچنین چنین برخلاف حزب
خودیت برنامه و روایت مبارزه
خود را نه از جریان عینی مبارزه
طبقاتی جاری، بلکه از حوائی
شخصه می گیرد. از آن بخش از
جریات احتمالی که برای او قابل
زیوت و درک است و در ریندک
صدور او بعنوان تنها حقیقت
موجود تجلی می گردد. حزب
خرد بورژوازی همچون حزب
موسه له آید های خود را نه از
طن زندگی واقعی، بلکه از
شعاعات و انعکاس های آن
منتج می نماید و همیشه و
همواره از پرداختن به مسائل
مادی مبارزه طبقاتی اباداشته
در تفریبات های آن سردرگم
شده و سردرگمی های خود را
شوریه می نماید. و بطریق اولی
بر مبارزه آیدولونیک نیز این
روش برخورد را با چسبیدن به
مواشی و طفره رفتن از واقعیتها
برخورد یا سائل گرهشی
مینم نمایند. مبارزه

حزب خرده پرور و اها همچون
حزب کومه له با درهم ریختن
سرزهای مشخص نه تنها در عرصه
تفایل طبقات اجتماعی، بلکه
در تمامی زمینه ها تلاش می کند
حایگاهی برای موجودیت خود
باز کند. تصادفی نیست که
برای کومه له و حزب او ضرورت
هرگونه برخورد معینی به پدیده ها
را موجودیت خود الزامات علمی
و ذهنی است آنها تعیین
می نماید و نه واقعیات مبارزه
طبقاتی. کومه له فاقد این
دید روشن است که همه پدیده ها
های اجتماعی حتی حزب سازی
و نیز ناشی از جنبه برخورد

حاصل می‌کند و این آخری به‌عین
الترا تئیر بازگشت به دوران طلایی
صنایع قرون وسطی، بیان گرایش
ارتجاعی این نیروی اجتماعی
است و از همان تعلق او به
پایه‌ایک ناچیز خود و صحت داشتن
آن از هرگونه گزندی نیز ناشی
می‌گردد. این گرایش طبقاتی
در عرصه برنامه و سازماندهی نیز
بیان خود را نه در جهت ایجاد یک
جامعه متمرکز و از طریق حرکت
متحد و عملی، بلکه از طریق ایجاد
تفرقه و تشتت، اعلام استراتژی‌های
جداگانه و تضاد با ضائقه انسانی
خود و تفرق و تشرعن خود بینانه
آشکار می‌سازد. و نتیجتاً حزب
خرده‌سروروازی نیز نه تنها حزب
بیمارچه کسانی که از هرگونه تعلق
محض از قبیل تعلق ملی و
مذهبی و غیره صرا باشد، نیست،
بلکه دقیقاً حزب تعلقات مسین
و تمایزات غیر طبقاتی مشخص
می‌باشد و آنچه که رهسور عمل
او نخواهد گشت، همانا برنامه
واحد، رهبری واحد و سازماندهی
واحد است. حزب خرده‌سروروازی
باید هم حزب عشق و اختیارات
سوز، استراتژی‌های سوز، رهبری
ها و کمیته مرکزی‌های سوز باشد،
به بیان دیگر، روش حزب او هم نه
حزب کمونیست و حزب اتحاد
پرولتاریا، بلکه باید حزب دار و
دسته‌ها حز، فرقه‌ها و باند‌ها
و محیط تحمیل تأثیر گرایش‌ات
انگلی این محدود متذبذب و
متزلزل باشد. چنین حزبی نه
تنها از ماتریالیسم دژتاریک
ولتری فرسنگها دور خواهد بود،
بلکه اصولاً با نفس عملی
ماتریالیسم، هرگونه دموکراسی
را نیز مدفن خواهد ساخت و
هرگونه حق انتخاب و حقیقی
انتخابی را از صدر تا زایل، از
پوده‌ها سلب نموده و به اراده
دار و دسته‌ها و بندوبست‌ها و
تخانیات و غیره میدان عمل
مقرر خواهد داد. به همین
دلیل نیز دوران روش چنین
بومی دقیقاً با دوران افول و
ضمحل آن همراه خواهد بود.
ولند چنین حزبی در رهسور
سایه خود مرتکب ناگزیر و حتمی
نرا حاصل می‌کند.

اما برخلاف حزب خسرو -

افسر آن را نه استحکام درونی
 آن در جریان مبارزه بلکه سیالیت
 ذاتی آن تشکیل می دهد
 و از آن که خود نه محمول
 دیالکتیک بیشتر در افسر مبارزه
 طبیعتی و تشبیهی آغاز
 میشود و بیشتر با جنبش تاریخی
 و پرورنده مبارزاتش معین و سبک
 متغیر نقش خبری جبارش
 در سبک سادگی و گدازش متغیر
 به هر تصویر مقتدرش تسلی
 میکند اما هر بیرونش طبیعت
 فیض دشمنی غیرسختی می آید

ششتم از این امر و جنبش
 مخوف ایران - آمریکا بسری
 میریزد و بیست حزب حیاتی است
 در آن. و ما به جدیدی را نیز به
 چشم فروخته داشته است که
 به دست یوز، آنجا را وارد کردند
 غیر از ایسم به محدود، تشکیلات
 کمونیستی و دفاع از آن در تمام
 زمین ها و همه نژاد و همه ملیت
 آن است. چینی، گریزی که
 به دست یوز، آن را گویا از مرکز و
 جنوب به هر گوشه تمرکز میدی
 تشکیلات می دهد و عمدتاً بسری
 تسایرات غیر طبقاتی از جمله تعلی
 می و خود از قبیل فارسی و
 کرد و ترانسی های قاضی و جدانیت
 پانتن یو بسری و ...
 تشکیلات می دهد و وحدت است
 گریز به نژاد و بورژوازی
 تا سکا و بیست نظم و بدین آمده
 را نموده و می کشد.

خرده بود روزی از هر گیسو
تصویر کن هر آن است از لایق
ایجاد یک اراده شد که بیان
خود را در یک حزب تدوین کند و
یک رهبری تصویر کشی سازد،
گویی آن است. چرا که قدرت عمل
محدود او را در حوزه عمل کرد
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
مستقر می نماید. بر تزلزلات و
تبدیلیات درونی او خط بطلان
کشیده، ضایع طبیعتی که او را بر
خلاف طبیعت کارگر، در حفظ
زمان تعلق به اندک ساریست
خصوصی است، در یک می شکند و
اراده محدود و دید محصور و
دنیا کوچک او را در هم می ریزد.
از این روست که خرده بود روزی بنا
به تعریف حقیر به فایده
شور و صهر خود همه چیز را از
همی همی موجودیت اجتماعی
خود می گرد. و غیر هم جاور مجری
حقود علیه صلح سرمایه داری بزرگ
و انحصاری و تمرکز در نهایت میل
باطنی عجمی را نیز بسرای
بارگشت به روزن صفت در خیر

سیاست نمر بازگیری

از صفحه ۳۰

روانه زندانبان می کنند، خانه هایشان را در برابر چشمانشان به آتش می کشند، اموال آنان را به غارت می برند، به اخاذی مالی از آنان دست می زنند و از اولین حقوق و آزادی ها محروم می سازند. اقداماتی که نتیجه یکبار و دوباره نه در اینجا و آنجا بلکه عملاً مدت هاست که به شیوه مصلوب رژیم علیه توده ها بدل گشته است و این امر بیانگر تلاش های رژیم برای تضعیف پایه های مالی مبارزه گیتی، یعنی جنبش سترختن توده ای در کردستان است. یعنی ضربه زدن به همان چیزی که طی گذشت بیش از سال به عیار عادی عظیم تاملاتی سیاست های رژیم در تمامی عرصه ها را بی فرجام گذارده است. رژیم سیاست مبارزگیری اجباری را نیز همچون دیگر سیاست های تضعیفی خود، از مدت ها پیش در کردستان اتخاذ نموده و با صرف نیرو و امکانات بسیاری آن را دنبال نموده است، تا بلکه با فرستادن به خدمت اجباری، جوانان کردستان را از یک سو از پیوستن دم افزون آنان به صفوف پیشمرگان انقلابی باز داشته و از سوی دیگر آنان را با روانه قللک های جنگ ایران و عراق ساخته و قربانی طاح جنگ طبلانه سرمایه داران و حکومتگران تصاید با در مناطق مختلف کردستان آنان را به جنایت علیه توده های زحمتکش و خیانت به آرمانهای انقلابی خلق کرد وادار سازد.

اما تاکنون مقاومت های گسترده و اعتراضات پراکنده زحمتکشان در مقابل سیاست های ضد خلقی رژیم و پورش های مزدوران جنایتکار آن، باعث گشته است که رژیم نتواند در پیشبرد چنین سیاست های هیچگونه مؤلفه ای کتب نماید و رژیم در مواجهه با ابعاد گسترده مبارزات توده ها، با مواج هرچه بیشتر و روزافزونی نیز روبرو گردیده است.

رژیم جبریمی اسلامی را ماه های اخیر نیز تلاش گسترده ای را به کار گرفته است تا سیاست های سرکوبانه خود بر روی مبارزگیری اجباری را به اجرا در آورد. ولی واقعیت تقابل توده ها با اینگونه سیاست ها و مقاومت یکبارچه آنها، هرگونه تلاش رژیم را با شکست روبرو ساخته است. ما در ذیل نمونه های چندین از تلاش های ضد پوچانه رژیم در دوماه گذشته و مقاومت توده ای در برابر این تلاش های ارتجاعی را می آوریم:

۱- در روز ۲۰/۹/۶۳ هزار آباد یکی از محلات فقیرنشین شهر سنندج، شاهد پیورش مزدوران صلیح رژیم بود. مزدوران که تمامی حلقه و کویه های اطراف آن را در حلقه محاصره گرفته بودند، با ایجاد مه و وحشت و آزار اهالی موفق گردیدند حدود ۱۰۰ نفر از جوانان محل را که از خانواده های محروم و زحمتکش هستند، دستگیر نمایند. این عمل صریحی از اعتراضات مردم محصل را برانگیخت و عده ای از جوانان توانستند از چنگ مزدوران گریخته، محل زندگی شان را ترک کنند و عده ای از آنان توانستند خود را به پیشمرگان برسانند.

۲- در ضابطه میروان، دیواندره، سنندج، گایاران و خصوصاً در منطقه زاوه رود و کلاترزان میروان، که رژیم با استقرار پایگاه های نظامی در آنها به آزار و اذیت زحمتکشان پرداخته است، مزدوران رژیم اخیراً بطور گسترده دست به مبارزگیری زده اند و گردان ضربت میروان، مأمور اجرای این سیاست گردیده است. در این منطقه مزدوران رژیم هر شب چندین روستا را محاصره می کنند و جوانان این روستاها را دستگیر و روانه پایگاه آموزشی سروآباد یکی از بزرگترین پایگاه های منطقه می کنند.

در اوایل آذرماه روستاهای "جانرره بائین" و "جانرره بالا" و "چالوگان حاجی" و "چالوگان وزیر" به اشغال مزدوران رژیم درمی آید. عده ای از جوانان دستگیر و به یادگانه فرستاده می شوند تا از آنها به جبهه های جنگ اعزام گردند. اهالی این

روستاها روز ۹/۱۰/۶۳ به اعتراض به شهر میروان رفته و در مقابل یادگان شهر تجمع می کنند. درخواستار آزادی دستگیر شدگان می گردانند. مزدوران و تنی اتحادیه یکبارچگی زحمتکشان را می بینند، بناچار عده ای از دستگیر شدگان را آزاد می کنند.

در یک مورد دیگر نیز: اهالی روستای "ضیانه" در منطقه میروان، که از سیاست شوم مزدوران ضد خلقی آگاهی داشتند و خود را برای پیورش مزدوران آماده کرده بودند، فرزندان خود را برای رهائی از جنگال مزدوران از روستا خارج و به ضابطه دیگر فرستاده بودند. مزدوران بعد از پیورش خانه گردی را آغاز می کنند. او پس از صلح تلاش و جان کشیدن موفق به دستگیری تنها ۸ نفر می شوند. لازم به یادآوری است که این روستا حدود ۱۵۰۰ آلی ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

در مورد دیگری نیز مزدوران رژیم طی سه روز ۱۰/۱۱/۶۳ و ۱۱/۱۱/۶۳ به روستای "می بن" در منطقه زاوه رود پیورش برده، به تهدید و آزار مردم می پردازند و تلاش می کنند فرزندان زحمتکشان این روستا را دستگیر و روانه پایگاه سروآباد کنند. اهالی روستا دست به اعتراض صریح می زنند. مزدوران برای مقابله با اعتراض گسترده آنها اقدام به تیراندازی می کنند و یکی از اهالی زخمی می گردد. مزدوران رژیم با این تیراندازی و دستگیری چند نفر فکر می کنند می توانند اعتراض صریح را خاموش نمایند. اما اعتراض اهالی روستا ضد و یکبارچه ادامه پیدا می کند که نهایتاً ضربه آزادی دستگیر شدگان می گردد.

نیز در روزهای ۱۱/۱۰/۶۳ و ۱۲/۱۰/۶۳ روستای "لنگه ریز" در منطقه میروان مورد پیورش قرار می گیرد، و هنگامی که مزدوران برای دستگیری جوانان به آزار و اذیت و خانه گردی می پردازند، زحمتکشان روستا تجمع نموده و دست به اعتراض می کنند.

در صفحه ۲۱

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

حزب دموکرات . . .

از صفحه ۳۰

جنبش چه در میان سازمانهای انقلابی چه در داخل صفوف هر کدام از سازمانها شعله‌ور سازد و متأسفانه موضع برداشت بعضی از این سازمانها طوری است که رژیم را در انجام این هدف یاری می‌کند.

(تاکید ها از ما)
بهر نهمینده تفسیر حزب دموکرات با این مقدمه وارد اصل مطلب شده می‌انزاید:

" برای نمونه اگر به حملات شدید کوه‌له یا سازمان چریکهای فدائی اقلیت به شورای ملی مقاومت توجه شود در واقع این سوال مطرح می‌شود که آیا بر اساس این سازمانها دشمن اصلی خود یعنی رژیم را فراموش نموده‌اند و شورا را دشمن اصلی می‌دانند و اگر شورای ملی مقاومت منحل شود مشکل بزرگ آنان حل خواهد شد . . .

انحلال شورا به نفع دشمن اصلی طرفین یعنی رژیم خمینی است یا نه ؟ " (تاکید ها از ما)

پس معلوم می‌شود " مشکل بزرگ " خود حزب دموکرات چیست . و چرا این حملات شدید او را این چنین آزار می‌دهد . مشکل بزرگ حزب دموکرات در حقیقت دفاع از استقلال بورژوا - رفرمیستی شورای ملی مقاومت در مقابل حملات شدید به این تنها آلترناتیو دموکراتیک ؟ است . که به هم حزب دموکرات انحلال آن به نفع رژیم است . و فقدان آن ضایعه است . انگیزه برای جنبش ایران (یا طرفداران برنامه بورژوا - رفرمیستی آن) خواهد بود . و چون حزب دموکرات چنین فکر می‌کند هر نیاید هیچ گونه حمله‌ای چه رسد به " حملات شدید " به این " تنها " آلترناتیو بشود چنان به نفع رژیم تمام می‌شود و آتش اختلاف و تفرقه را دامن می‌زند .

ولی دوستان عزیز بهر توده‌ها از کجا بفهمند مثلاً

بین حفظ ماشین دولتی حاضر از جمله ارتش پلیس و دادگاهها و غیره که مورد علاقه شورای ملی مقاومت و جزو برنامه آن است و در هم شکستن چنین دستگاه مستمرانه‌ای که نقطه غنیمت نیروی هم چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است چه تفاوتی است و چرا شورای ملی مقاومت بر حفظ ارتش و ارگانهای سرکوب نظم حاکم و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر در هم شکستن آن تاکید می‌کند . نعمتکشان کردستان از کجا بفهمند تفاوت بین طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت که ضامن هیچ گونه تفسیری در زمینه است حاکم نیست با یک برنامه واقعا انقلابی - دموکراتیک و متنی بر ضامن اساسی جنبش کمونیستی خلق کرد چیست ؟ و هزاران اختلاف دیگر . یا حزب دموکرات فکر می‌کند توده‌ها علم غیب دارند تا بدون تبیین تفکرات سیاسی در درون آنها ضامن دموکراتیک یا ضد دموکراتیک این یا آن برنامه را بفهمند . یا اصولاً مخالف با چنین درکی از سوسی توده‌هاست که فقط در جریان آموزش عظمی و سیاسی آنها در جریان همین برخوردها امکانپذیر هست ؟

ولی برخلاف حزب دموکرات ما عمیقاً اعتقاد داریم که وجود و حضور برخوردهای حاد سیاسی بر سر اساسی ترین اصول برنامه‌ای جنبش نه تنها به نفع رژیم نیست بلکه دقیقاً دلیل رشد و تعمیق یک جنبش و تضمین ضروری برای تداوم قدرتمند آتی آن است . چیزی که حزب دموکرات به اهمیت آن واقف نبوده و نیست و نمی‌تواند هم باشد . این امر را ادامه تفسیر حزب دموکرات ثابت می‌کند :

" از شورا گذشته اینست دو سازمان آنچنان شدید همدگر را مورد حمله قرار می‌دهند درست مثل این که دو دشمن دیرینه هستند . . . چه کسار امضای زشتی ! حقیقتاً صلال آور است انسان با سازمان - هایی رصرو باشد که شش در دشمن همدگر را مورد حمله قرار دهند . البته فکر نکنید با تیپ و خمپاره اگر هم نشد ، با صسل و گالیبر و قاشه و غیره بلکه فقط با قسم و دروغه برخوردهای سیاسی . . .

اما دوستان کاش خیالهای

در جنبش کمونیستی کردستان حد و سرز نفع رژیم و نفع توده‌ها و صیزان و جایگاه برخوردهای خود را می‌دانستند و برهمه آشکار می‌ساختند که چگونه برخوردهایی و چرا به نفع رژیم است و چگونه برخوردهایی و چرا به نفع جنبش انقلابی خلق کرد و توده‌هاست .

اما حزب دموکرات در ادامه این تفسیر دوباره به مشکل بزرگ خود برگشته یک نکته دیگری از هزار وجود اختلافات را با مثال از " وضع سازمان ط می‌آورد که شامل روی آن خالی از لطف نیست :

" تاریخ ثابت کرده است که عامل شکست جنبشهای جهان وجود اختلاف و تفرقه بوده است و یاز دور نهم به وضع سازمان چریکهای فدائی خلق نگاه کنیم آیا عاملی که موجب . . .

پارچه پارچه شدن این سازمان گردیده است وجود اختلاف داخلی خودشان نبوده است ؟ و آیا وجود اختلافها و تشابهها به

به سود رژیم نیست ؟ " (تاکید ها از ما)
ولی دوستان عزیز دموکرات تنها وجود اختلاف باعث شکست نیست این چگونه برخورد به اختلاف است که می‌تواند منجر به همه چیز گردد حتی شکست . اما

اینکه اختلاف باعث تشعاب این یا آن نیرو گردد امری نیست که ضمیمه به " وضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران باشد . در مورد " وضع خود حزب دموکرات هم صادق بوده است ولی این که شما تلاش دارید در این کمر هماوایان (بوسه) شورای ملی و غیره بهم شده و یا " قاشه " از " وضع " پارچه پارچه و " تشابهها در نتیجه اختلافات سخن بگوئید . فکر نمی‌کنید دلیل دیگری بجز ظاهر بزرگمنشانه آن دارد و آیا این اظهار نظر شما نیز به همراه هم جریسان های بورژوازی و خسروم بورژوازی درون و بیرون شورا و در راس همه آنها مجاهدین خلق ، صی در مخدوش نشان دادن چهره همین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را ندانید ؟

اما جای شکرش باقی است که حزب دموکرات همچون ضد خود در شورا و متن اصلی این اختلاف بورژوا - رفرمیستی از برخوردهای ط با شورا مستقیماً

" داندلایی " و " مشکوک " بودن در صفحه ۲۶

سیاست سربازگیری

از صفحه ۲۴

می زنند. مزدوران رژیم می گویند: اگر سرباز ندهید... به شما کوهن نمی دهیم. مردم در جواب این تهدید می گویند: اگر هم بصیرم سرباز ندهیم؟

بدینال این اقدامات در روستاهای بهاران، خواست، هرمن، تپا و نیز ۹ نفر از اهالی خواست و هرمن دستگیر می شوند، که جهت اعزام به

سربازی به پایگاه آموزش صورو آباد فرستاده می شوند، که آنها با مقاومت خود موفق به فرار از جنگ مزدوران می گردند.

تصای این نمونه ها، بیانگر آن است که رژیم به هر طریقی ممکن در مدد پیشبرد سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه خود است. و توده های زحمتکش و انقلابی خلق کرد نیز همانطور که در طی پنج سال گذشته آشکار ساخته، هم چنان با مقاومت همه جانبه خود در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، بر آرمانیهای حق و عادلانه و انقلابی خود پای می نهند و هم چنین حتی قبل ام ها و خمپاره و توپ

سازمانهای مداوم و استقرار مدها و هزاران پایگاه نیز توانسته است خللی در اراده پولادین آنها، حتی بر کسب حق تعیین سرنوشت خویش وارد نازد. اراده ای که قدرت واقعی آن در اتحاد و یکپارچگی نیروی آن است. بگوئیم برای درهم شکستن رژیم جمهوری اسلامی و تمامی سیاست های سرکوبگرانه و ارتجاعی آن، این اراده را هر چه متحد تر و یکپارچه تر نموده و مقاومت سراسری در کوردستان انقلابی را نه تنها علیه سربازگیری اجباری بلکه کلیه سیاست های رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگ آن، سازمان دهیم.

از صفحه ۲۵ حزب دمکرات

سازمان ما را تشجیه نگفته و با از طریق پارچه پارچه نشان دادن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متقیما به فکر

تاسیس يك سازمان فدائی دست نشانده از طریق جذب عناصر مطرود و ضعیف نه تنها از نقطه نظر ابتدائی ترین پرنسپ های مورد انتقاد مردم عادی نیز، نیافتاده است. هر چند او نیز هر از چندگاهش متنی بر این طبل حواله می کند، تپا لولسی "پارچه پارچه شدن را به پرچم تبلیغاتی خود در قبال سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدل کید و چهره آن را با دست پازیدن به چنین خس و خاشاکی آشفته نشان دهد.

آینام حزب

از صفحه ۲۳

به روند عینی يك حرکت محیمن اجتماعی و خودپایخ سخ شده و خاصی به يك ضرورت عملی و عینی جنبش کوشی است.

همانطور که حزب کومه له از سرشت محیمن طبقاتی خاص خود در تصای عرصه ها برخوردار است، شیوه برخورد کومه له با سائل جنبش نیز، از سرشت

شیوه حزب او جدا نیست. ما در شماره آینده و در ادامه همین بحث با بررسی یکی از آخرین نمونه های برخورد کومه له با سائل، روی این واقعیت که حزب برای کومه له از چه جایگاه عینی برخوردار است و شیوه برخورد کومه له با حزب چگونه است و حزب او محمول چه عواملی و چه نیازهای عینی است، بحث بیشتر خواهیم داشت. و روشن خواهیم ساخت که چرا حزب کومه له حاشیه نشین جنبش کوشی در تصای زمینه ها و ضرر بی تهد و شرط سائل به شیوه های وارونه و در هم و آشفته است.

ادامه دارد



گزارش هیات...

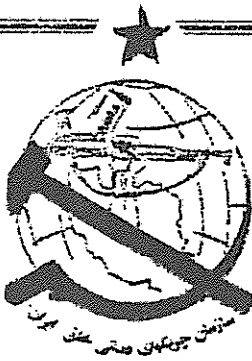
از صفحه ۱۷

حزب دمکرات نیز در همین تکیه بر اقدامات مشترک هیات مشترک و قول و قرارهای فیما بین در جواب کومه له باز هم با تاکید بر صوه پانجم خود حتی بر سراسری نمودن جنگ با کومه له به معنی سربازی در يك منطقه کومه له را پامسوخ می گوید.

حال با این دوبرخورد چگونه می باید برخورد نمود و وظیفه جنبش انقلابی و سازمانهای انقلابی چیست؟

بدین تردید باید گفت: جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و تصای احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکرات باید از هیچ اقدام ضرور و لازمی در زمینه جلوگیری از چنین درگیریهای و تکرار فاجعه بارتر از پیش آنها، فروگذار نکند و با تمام نیرو توان و امکانات خود به مقابله با سیاست های که امروز بیان خود را نه در مقابله هر چه محددتر با رژیم جمهوری اسلامی بلکه در روبرویی و ایجاد انشقاق و تشتت در صفوف سربین جنبش باز می یابند، برخاسته به انشای چهره واقعی آنها بپردازند و راه حل واقعی و اصولی و قطعی پیمان دادن به چنین خصاماتی را به هر دو نیرو تحمیل نمایند.

۱۳۶۳/۱۰/۵ دیماه



سربازان، درجه داران، پرسنل انقلابی!

رژیم جمهوری اسلامی، در کردستان انقلابی هدفی جز سرکوب توده های محروم و زحمتکش خلق کرد، و اعمال حائضیت ضد انقلابی خود بر آنها ندارد، رژیم جمهوری اسلامی در صدد احیا و تثبیت وضعیت فلاکتبار ناشی از ستم ملی و استثمار آن یعنی بی حتی عیسی توده ها در کردستان، فقر و فلاکت اقتصادی و عقب ماندگی اجتماعی است.

رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای آن در کردستان که عدتاً به توپ باران و خیمه باران مناطق مسکونی نازکران و زحمتکشان ملیت کرد در شهر و روستا و یورشهای نظامی به مناطق مختلف و تعقیب و آزار توده های مردم و دستگیری و کشتار و اعدام فرزندان انقلابی خلق کرد، خلاصه می گردد، هم چنانکه تجربه بیش از پنج سال گذشته آشکار ساخته است، در مقابل اراده استوار و آهنین خلق کرد محکوم به شکست و نابودی است.

سربازان، درجه داران، پرسنل انقلابی!

با تبلیغ اهداف انقلابی - دمکراتیک مبارزه قهرمانانه خلق کرد مبنی بر کسب حق تعیین سرنوشت، و افشای چهره منفور رژیم جمهوری اسلامی و جنایات بی شمار آن در کردستان، به مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی آن برخاسته، و با تمامی وجود و امکانات خود از تحقق اهداف ارتجاعی رژیم در کردستان جلوگیری نمائید، از کشتار توده های زحمتکش خلق کرد و ویرانی خانه و تاسانه آنها خودداری نموده، سلاحهای خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی بر گردانید!

پیروز باد مبارزه انقلابی - دمکراتیک خلق کرد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اخباری از جنبش مقاومت توده‌ای

«ما اسلحه داریم را بوی داریم!»

اطراف به نام «ایپینگ» که مرکز تجمع نیروهای رژیم می‌باشد به حرکت درمی‌آیند.

اهالی معتبر روستای «مالیان» به مزدوران می‌گویند: «ما اسلحه داریم و حاضر به جنگی نیستیم». اهالی بعد از مواجه شدن با برخورد مزدوران ضلع رژیم تصمیم می‌گیرند برای ادامه اعتراض خود به شهر متوجه شده و در آنجا نیز نفرت خود را از سیاستهای ارتجاعی رژیم نمایان سازند.

در تاریخ ۱۴/۱۰/۳۳ برای چندمین بار پاسداران مزدور به روستای «مالیان» در منطقه سروان یورش می‌آورند. آنان طبق فادت همگی خود، با کتک کاری و فحاشی به آذیت و آزار اهالی می‌پردازند و از آنها می‌خواهند تا صلح شوند و باصطلاح برای امنیت روستا تنگبانی دهند. مردم روستا بطور یکپارچه از تن دادن به این خواست مزدوران سرکشی می‌زنند و ضمن مخالفت برای ابراز اعتراض خود به یکی از روستاهای

زحمتکشان روستای «گندمان» جدا به مقابله با یورش رژیم برخاستند!

خشمگین جسد را با خود به داخل مسجد حمل کرده و در آنجا تجمع می‌نمایند. مزدوران با محاصره مسجد اسلام می‌کنند که اگر اهالی مسجد را تخلیه نکنند آنان را به گلوله خواهند بست. مزدوران با یورش به خانه‌ها و تفتیش و بازرسی تلاش می‌کنند زنی را بزور به شهر ببرند. زحمتکشان جدا برای صانمت از این کار مزدوران به مقابله با آنان برمی‌خیزند و صوفی می‌گردند. آن زن را از چنگ مزدوران نجات داده و آنان را از روستا بیرون می‌نمایند.

مزدوران جنایتکار رژیم طی یورش‌هایی در ۱۴/۱۰/۳۳ به روستای «گندمان» از منطقه رباط، اهالی آن روستا را مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌دهند. اهالی روستا با این کار مزدوران حدای اعتراض خود را بلند می‌کنند. ولی مزدوران بی‌توجه به اعتراض اهالی به جولانگی در روستا، فحاشی و کتک کاری خود ادامه می‌دهند. در اثر این افسال جنایتکارانه مزدوران، صربی بنام «فقی عمر» به شهادت می‌رسد و جسد بی‌جانش به خاک می‌افتد. مردم

کمک مالی رسیده

فوق‌العاده ۱۳

۲۸۰۰۰۰ ریال



آمده، بسته دیگری از جنایتکاران صرف به گروه ضربت می‌باشد را ضرر معرفی می‌کنند. مردم زحمتکش در پاسخ می‌گویند: «ما با یکدیگر قرض نداریم و همکاری جنایتکارانه».

در روستای «قولفتیه» نیز مزدوران ذو نفوذ از اهالی را دستگیر کرده و به پایگاه خود برده بودند که در مقابل اعتراض خدانه و یکپارچه مردم این روستا، هر دو نفر را آزاد می‌کنند.

سراض می‌زنند. اهالی روستای قادریاد برای دفاع از حقوق خود، امروز و روز بعد بطور دسته‌جمعی به پایگاه مزدوران می‌روند و به رفتار نیروهای سرکشی رژیم در روستا، اعتراض می‌نمایند. مزدوران رژیم برای خلاصی خود از دست مردم به خشم

مهاجران

در تاریخ ۲۵/۹/۳۳ روستاهای «قولفتیه»، توسط مزدوران رژیم مورد حمله قرار می‌گیرد. مردم که حاضر به تن دادن به زور و شتم رژیم نمی‌باشند، در مقابل مزدوران دست به

تدارکاتی و انسانی به پیش‌مرگان حمله کند و در یک جنگ جبهه‌ای با آنها درگیر شود. امروز پیش‌مرگان قهرمان کردستان، در یک صله عظیمات پارتیزانی مزدوران رژیم را در تمامی شهرها و روستاها، در معرض حملات مداوم خود قرار داده‌اند. هیچ جای امنی برای مزدوران وجود ندارد. تمام جاده‌ها، شهرها، روستاها و کوههای سراسر کردستان، مراکز عملیاتی پیش‌مرگان علیه رژیم است. پیش‌مرگانی که برق آما ظاهر می‌گردند و مزدوران رژیم را در معرض ضربات خرد کننده خود قرار می‌دهند. در صفحه ۲۹

گسترش تاکتیکهای...

می‌جنگد، مأمور در مقابل او پایتخت با تانک قوی تر از همیشه در برابر ماست.

ما باید ابتکار عمل را از این دشمن بگیریم و او را در نا اطمینان نگهش داریم.

او در حقیقت در همین حملات کوتاه، صوفیت و تاکتیکهای پیش‌مرگان و ضعف و زبونی مزدوران رژیم را بیان کرد. اکنون دیگر منتهاست که در جنگ انقلابی مردم کردستان مرحله جدیدی فرا رسیده است. مرحله‌ای که دشمن دیگر قادر نیست با امکانات عظیم نظامی،

توضیح و توضیح:

در شماره قبیل (شماره ۲۴) در چاپ مقاله «کومه له مدافع ناسیونالیسم یا کمونیسم» در صفحه ۷ متن سوم بین خط ۶ و ۷ این عبارت جا افتاده است: «هیچ معنای معین طبقاتی را ندارد» نیست و تنها از زاویه «فرا طبقاتی» و نیز در ضاله «بسی تشکیلات حزب طبقه کارگر علیه بسی حزبی» صفحه ۲۲ سطر اول زیرنویس بعد از کلمه «دیکتاتوری کلمه» در مرامی جا افتاده است که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

پیشمرگهای کردستان را به
پارتیهای بزرگ تبدیل کرده است.
مزاران مزدوران را با پیشرفته ترین
سلاحها، به خدمت گرفته است. اما
پیشمرگان بر هر لحظه که اراده
کنند، مراکز آنها را در قسب
شهرها درهم می کنند، تعدادی
از مزدوران را به هلاکت می رسانند
تعدادی را اسیر می کنند و
ضابطی سلاح و مهمات را به
قیمت می گیرند.

رژیم در تمام جاده های
کردستان، قدم به قدم مزدوران
تأمین خود را مستقر ساخته است،
اما پیشمرگان مداوماً در جاده ها
حضور می یابند، مزدوران تأمین
را به هلاکت می رسانند و جاده ها
را تحت کنترل خود در می آورند.
رژیم در مناطق روستایی،
پایگاههای متعدد نظامی ایجاد
کرده است که مجهز به انواع
سلاحهای پیشرفته اند. اما
پیشمرگان مداوماً مزدوران رژیم
را در همین پایگاهها، مورد
حمله قرار می دهند.
هیچ جای امنی در کردستان
برای مزدوران رژیم وجود ندارد.
در همه جا، پیشمرگان حضور
دارند و در هیچجا مزدوران

نهادن پیشمرکه	۳۶
احالی سی دفاع	۲۸

رژیم را در معرض حملات مداوم
خود، قرار می دهند.

در یک گلا، پیشمرگان زمان
و مکان حمله را به دلخواه خود
تعیین می کنند، در هر کجا که
لازم بدانند بر دشمن یورش
می برند، او را غنایم می کنند و
ضرای مبارک را بر پیکر او وارد
می آورند. ابتدا عمل در همه
جا در دست پیشمرگان است.
این همان تاکتیکهای پیشرفته ای
است که مزدوران رژیم را به هراس
انگیزده است و صیاد شیرازی،
افسر شاهنشاهی و یکی از جلادان
معروف خلق کرد را وادی دارد
که در پی یافتن تاکتیکهای
جدیدی برای مقابله با آنها باشد.

اما چیزی که این مزدور
نمی تواند درک کند، پیوند این
تاکتیکها با ماهیت انقلابی جنگ
مردم کردستان است. او نمی تواند
درک کند که در یک جنگ انقلابی،
با اتکا به همین تاکتیکها، چگونه
خلق کوچک بر دشمنی نیرومند
جیره می شود. از این رو تلاشهای
جدید مزدوران برای انتخاب
تاکتیکها و تدابیر جدید علیه
پیشمرگان، همانند گذشته با
شکست روبرو خواهد شد و بارز
قهرمانان مردم کردستان تا
پیروزی ادامه خواهد یافت.

نگاهی به مجموعه عملیاتی
یک ماهه گذشته، شاهد این
صداست. در طول یک ماه گذشته
پیشمرگان قهرمان خلق کرد در

۳۱ مورد، در مسیر رفت و آمد
مزدوران رژیم بین گیلاری
کرده، در ۲۷ مورد به کنترل
جاده ها دست زده و در مسیر
مزدوران رژیم به کمین نشسته اند
در ۲۱ مورد به مقابل با یورش
مزدوران او پرداخته، در ۲۱
مورد ضمن حمله به مراکز
مهم رژیم در شهرهای مختلف،
از جمله شهر اشویه، سلیمان،
دیواندره، سروان و... پیش از
۱۰۶۶ تن از مزدوران را کشته
و مروح ساخته اند، در ۳۸ مورد
حمله به پایگاههای رژیم، پایگاه
روستاهای میسی بن در سروان
و امیر آباد نزدیک بیجار را
خلع سلاح و تأسیسات رژیم را به
آتش کشیده اند و در طی یک
عملیات بی دریغ و قهرمانانه،
تنها در روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶
دی ماه ۱۳۶۳، ضمن کنترل
جاده صلح - تهران، مراکز
مزدوران رژیم در داخل شهر
را به آتش کشیده اند و تنها
در طول این عملیات پیشمرگان
قهرمانانده بیش از ۱۰ نفر از
مزدوران را به هلاکت رسانده اند.
و در مورد دیگر با وجود
استقرار کامل رژیم در شهر
سروان، پیشمرگان عملیات
موفقیت آمیزی را در این شهر
به انجام رسانده اند و در همه
حماسه دیگر نیز در صراحت
کردستان آفریده اند که جدول
پس نمودار گامی از همه
انهاست.

عملیات پیشمرکه

کمین و کنترل جاده	۴۷
مین گذاری	۳۱
مقابل در برابر یورش رژیم	۲۱
حمله به مراکز رژیم در شهرها	۲۱
خلع سلاح بارگاه	۲
مصادره و اسد امالیات	۴
حمله به پایگاهها	۳۸
جمع	۱۶۴

تلفات دشمن

کشته و زخمی	۱۰۶۶
اسرای دشمن	۷۹
خودرو منهدم یا مصادره شده	۵۹
سلاحهای منهدم شده	—
مهمات منهدم شده	—

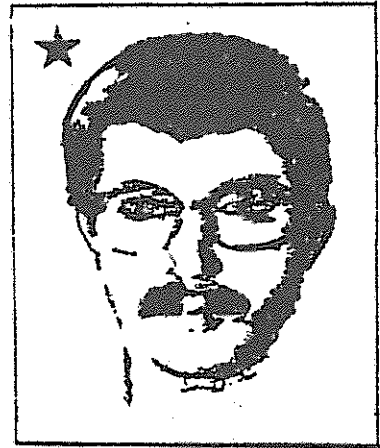
آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیوهای حزب دمکرات
و کومه له برگرفته شده است.
۲۷ آذر تا ۲۷ دی ماه

غنایم بدست آمده

جنگ افزار انفرادی	۱۸۹
انواع نارنجک	۲۵۴
سیسم	۱۱
انواع فشک	۳۴۲۰۰
خشاب	۷۴۸
سنگ افزا رنگین و سیمنگین	۱۶
کلوله اسلحه منگین و نیم منگین	۳۰
بیوسن فرب خورندگان	۵

سازمان و ثوبی بیرون نه و دی شور نشگیران دی گه لی کورد

سومین سالگرد شهادت رفیق سید حسن قاضی



پیشمرگه آگاه فدائی و یکی از ارزنده ترین رفقای تشکیلات سازمان در جنوب کردستان که در عطیات پیشرو ضد کمین - گذاری پیشمرگان فدائی در ۲ - کیلومتری فرودگاه سنندج، پس از ساعتها تیر و روباری، آتشدان و هادیه چند دستگاه خودرو و شماری سلاح و مهمات و به هلاکت رسانیدن بیش از ۲۵ تن از مزدوران، در آخرین لحظات پایانی درگیری، اصاح گلوله مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت و خون سرخش زمین بارور کردستان را گلگون ساخت، گرامی بساد!

پرخیزی ملاحظیات

حزب دمکرات و مشکل بزرگ او

اخیراً حزب دمکرات کردستان ایران بعد از مدتها سکوت در مورد برخورد های مختلف با شورای ملی مقاومت پنجمی به دفاع از این ائتلاف مسرور و - رفرمیتی برخاسته است و در همین حال شراحتی خود از وجود مبارزه سیاسی حاد در درون جنبش را بنحی آشکار ساخته است که ما برای اطلاع خوانندگان از کم و کیف آن قسمت هایی از آنرا در زیر می آوریم:

حزب دمکرات در تفسیر سیاسی روز ۲/۱۰/۶۳ صدای کردستان بعد از صحبت پیرامون تلاش های رژیم برای ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلابی در جنبش می گوید:

"رژیم سعی می کند آتش اختلاف و تفرقه را در درون - در صفحه ۲۵

صدای فدائی

صح کوتاه ردهای

۶۵ و ۷۵ خر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

روز بعد

در زیر ضربات خرد کننده پیشمرگان دلیبر کردستان قرار دارد و علیرغم تمامی تلاش های خود نتوانسته است با مصرف بیشترین نیرو و امکانات و تبلیغات مخفی چندان بی بدست آورد، برای جبران و تلاقی شکست های متخاضانه اش در این زمینه، به روشها و - مردم بی دفاع یورش آورده، آنان را به شیوه های مختلف مورد تخطیات زور و آزار و فشار قرار داده است. مزدوران رژیم مردم را به رگبار می بندند، شکنجه و - در صفحه ۲۴

سیاست سرانگیری رژیم و

تداوم مقاومت توده های

سیاست سرانگیری اجباری یکی از سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، که از مدت ها پیش در کردستان قهرمان در پیش گرفته شده است، و در مقابل با اراده قدرتمند توده های زحمتکش خلق کرد، با شکست متخاضانه ای روبرو گشته است. اما رژیم از پای ننشسته و همچنان سعی در اجرای آن دارد و از طریق سرکوب و دستگیری و شکنجه و زندان به ارباب مردم می پردازد.

رژیم جمهوری اسلامی که

خلق کرد پیروز است

گسترش تاکتیک های تعرضی پیشمرگان

مزدوران را به هراس افکنده است

دیگر، با تصرف ضعیف - شکنجه و ضرباتی که از سوی پیشمرگان بر مزدوران رژیم وارد آمده است، گفت: دشمن با تاکتیک های مختلف - در صفحه ۲۸

شهرانی برای بررسی وضعیت نظامی منطقه و اتخاذ تدابیر تازه وارد سنندج شد. او طی سخنانی در جمع نمای مزدوران سرکوبگر رژیم، فرماندهان ارتش، پاسدار، واندازری و مرتجعین

دری گسترش داده ضربات پیشمرگان قهرمان کردستان بر دیگر مزدوران رژیم، در هفته های اخیر، به ویژه در شمال کردستان و مناطق دیگر، فراتر از - مزدور نیروی زمینی ارتش و در خلاقی جمهوری اسلامی، سرخند صیاد

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق